فهرست

احکام عمل جراحی

اجازه ی عمل جراحی

س1. پزشک حاذق و ماهر، بدون سهل انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری نموده است و در حین عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده است. آیا داشتن اجازه ی عمل از بیمار یا بستگان در رفع ضمان مؤثر است؟ دیه به عهده ی کیست؟

ج. به نحو کلی در موارد ثبوت ضمان، اجازه ی بیمار یا بستگان وی رافع ضمان نیست و در مواردی که پزشک ضامن دیه است، باید از مال خود بپردازد.

تأخیر عمل جراحی برای کسب اجازه

س2. اگر پزشک منتظر اجازه ی بستگان بیمار برای عمل جراحی شود، ممکن است بیمار دچار نقص یا از کار افتادگی عضو شود. در این صورت آیا پزشک می تواند عمل جرّاحی را به تأخیر بیاندازد؟

ج. اگر خطر فوت بیمار در میان باشد، تأخیر جایز نیست.

انجام جراحی ضروری بدون رضایت بیمار

س3. برخی از بیماران عاقل و بالغ که نیازمند عمل جراحی هستند، به علت ترس یا هر توجیه دیگری حاضرند درد و رنج را تحمل نمایند، ولی تن به عمل ندهند، و این در حالی است که پزشک می داند که در صورت عمل نکردن، بیمار به زودی خواهد مرد یا دچار عوارض سختی خواهد شد. با این فرض، آیا پزشک می تواند با تصمیم خود، او را عمل جراحی کند؟ اگر علی رغم مخالفت بیمار، بستگان وی چنین اجازه ای را صادر کنند، تکلیف پزشک چیست؟

ج. اگر نجات بیمار از مرگ مستلزم عمل جراحی است، اشکال ندارد.

انجام جراحی غیر ضروری به اصرار همراهان بیمار

س4. پزشکی یقین دارد که انجام گرفتن عمل جراحی روی بیمار، تأثیر در زنده ماندن او ندارد، و در هر صورت، بیمار پس از مدت کوتاهی خواهد مرد. آیا جایز است پزشک بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولان بیمارستان، اقدام به جراحی نماید یا نه؟

ج. با اطلاع دادن به بیمار یا همراهان او نسبت به عدم تأثیر عمل، اقدام به عمل جراحی مانعی ندارد.

درمان های پرخطر برای تأخیر انداختن مرگ

س5. اگر بدانیم یا احتمال بدهیم بیماری در اثر بیماری ای مثل «لوسمی» [1] و یا «متاستاز» [2] یا برخی از سرطان ها و برخی تومورها به زودی خواهد مرد، آیا مجازیم برای افزایش طول عمر او ـ در حد چند ماه ـ از شیوه های درمانی پرخطر و پرعارضه، مانند شیمی درمانی که اغلب عوارض آن بسیار شدیدتر از بیماری اولیه است، استفاده نمائیم؟

ج. اشکال ندارد، بلکه بعید نیست در برخی موارد لازم باشد.

مرگ زود هنگام یا تحمّل درد

س6. بنا بر تشخیص اطباء حاذق در صورت ترک نمودن عمل جراحی، بیمار به زودی خواهد مرد و در صورت اقدام به عمل جراحی، به احتمال قوی زنده می ماند. ولی تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و توان فرسا می شود، تکلیف این بیمار چیست؟

ج. در فرض مذکور که ترک عمل و معالجه موجب مرگ می شود، اقدام به عمل واجب است.

---

1. سرطان خون یا لوسمی یا لوکمیا بیماری پیشرونده و بدخیم اعضای خون ساز بدن است.

2. متاستاز به معنی انتقال سلول های سرطانی به مناطق دور از تومور اولیه است.

احکام اتانازی (قتل از روی ترحّم)

تسریع در مرگ بیمار

س7. «اتانازی» [1] بر سه قسم است:

1_ نوع فعّال که با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می شود.

2_ نوع انفعالی، به صورت خودداری از ادامه ی مداوا و زنده نگاه داشتن بیمار محتضر.

3_ نوع غیر مستقیم، با قرار دادن داروهای به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پر رنج خویش پایان دهد.

استفاده از کدام یک بلااشکال است؟

ج. حفظ محتضر و تأخیر مرگ او واجب نیست، بنابراین قسم دوّم مانع ندارد. ولی هر کاری که موجب مردن او باشد، مثل دو قسم دیگر جایز نیست.

س8. از «اتانازی» در فارسی به «قتل از روی ترحم» و «بیمارکشی با ترحم» تعبیر می شود و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیمار لاعلاجی است که بر اساس دانش پزشکی امروز، هیچ امیدی به شفا و یا بهبود او وجود ندارد اقدام به این کار چه حکمی دارد؟ آیا سرپرست یا نزدیکان بیمار می توانند به پزشک همچین اجازه ای بدهند؟

ج. جایز نیست و قتل نفس محسوب می شود.

س9. گاهی به جهت تعجیل در راحت شدن محتضر، به او مواد مُهلکه (کشنده) تزریق می کنند ؛ آیا این عمل جایز است یا نه؟ و در صورت عدم جواز، آیا عاملان این کار، در قتل او شریکند؟

ج. جایز نیست و در صورتی که موجب قتل شود، قصاص یا دیه ی آن واجب می گردد.

کشتن بیمار مرگ مغزی

س10. شخصی که در اثر آسیب مغزی درک و شعور و شنوایی و بینایی و حس خود را از دست داده و فقط قلب او میزند و حرکت می کند اگر کسی او را در این شرایط بکشد، آیا باید دیه ی کامل بپردازد؟

ج. بلی دیه ی کامل دارد.

س11. آیا می توان این بیمار را به همان حال باقی نهاد تا قلب او هم از کار بیفتد؟

ج. اگر دستگاهی به او وصل شده و برداشتن دستگاه موجب مرگ وی می >شود، نمی توان چنین کاری را انجام داد.

---

1. اتانازی یا یوتانازی (Euthanasia) در زبان یونانی به معنی «مـرگ خوب» است. اتانازی در اصطلاح، شرایطی است که در آن، بیمار بنا به درخواست خودش به صورت طبیعی و آرام بمیرد. این شرایط معمولاً در بیماریهای سخت یا دردناک یا درمانهای طولانیمدت و ناامیدکننده پدید میآید. در فارسی به آن «هومرگ»، «مرگ آسان»، «قتل ترحمی» یا «به مرگی» نیز گفته شدهاست.

احکام داروها و داروخانه ها

استفاده از داروهای ضروری حرام یا نجس

س12. با توجه به اینکه برخی از داروهای ضروری و حیاتی از منابع حرام یا نجس مثل اعضای انسان یا حیوان و غیر آن ها تهیه می شوند و معمولاً این گونه داروها از کشورهای خارجی و غیر مسلمان وارد می شوند، حکم شرعی مصرف این گونه داروها برای انسان و نیز معامله بر روی آن ها چیست؟

ج. اگر معالجه ی بیماری متوقف و منحصر در آن باشد اشکال ندارد.

وظیفه داروساز نسبت به بیمار

س13. نظر به اینکه قانوناً تجویز دارو به عهده ی داروساز نمی باشد، به استثنای داروهای بدون نسخه، چنانچه مریض به حال اضطرار مراجعه کند و با توجه به فوریت، در صورت ندادن دارو، منجر به نقص، جرح یا فوت بیمار گردد، آیا داروساز در عواقب فوق متهم به قصور است؟

ج. با فرض اینکه طبق قانون رفتار کرده تکلیفی متوجه او نیست.

وظیفه داروساز نسبت به تجویز دارو

س14. با توجه به اینکه تشخیص بیماری و تجویز دارو به عهده ی پزشک معالج واگذار شده و طبق قوانین موجود، داروساز موظف به تحویل داروی تجویزی می باشد، آیا داروساز نسبت به عواقب یا عوارض ضررهای ناشی از تجویز غیرعلمی یا غیرضروری و احیاناً تجویز بر اساس سودجویی و غیره ضامن است؟

ج. در فرض مرقوم ضامن نیست.

درمان با داروی موجب مرگ زودرس

س15. اگر کسی برای بهبودی موقتی یا رفع درد از داروئی استفاده کند که مرگ را به طور قابل ملاحظه ای جلو بیندازد، حکم چیست؟ مثلاً از «کورتیکو استروئید» [1] و یا «زیدوودین» [2] یا «سیکلو سپورین» [3] استفاده شود.

ج. اگر موجب مرگ زود رس باشد، علاج نیست و باید ترک شود.

فروش داروی خطرناک بدون تجویز پزشک

س16. آیا فروش داروهایی که مصرف آن ها عوارض شدید در بردارد، بدون تجویز پزشک جایز است؟

ج. بدون تجویز دکتر، فروخته نشود.

---

1. داروهایی هستند که بر سیستم ایمنی بدن تاثیر میگذارند.

2. زیدوودین در درمان عفونت ناشی از ویروس HIV و پیشگیری از انتقال نارسایی ایمنی بکار می رود.

3. در جلوگیری از رد پیوند (کلیه، کبد، قلب یاسایر ارگانها) به همراه کورتیکوستروئیدها مصرف می شود.

احکام آموزش پزشکی

لمس و نظر حرام در معاینه

س17. دانشجویان دانشگاه پزشکی (دختر یا پسر) برای آموزش، چاره ای جز معاینه فرد اجنبی، از طریق لمس و نظر ندارند و چون این معاینات جزو برنامه درسی است و برای کارآموزی و آمادگی آنان برای معالجه بیماران در آینده مورد نیاز است و عدم انجام آن باعث می شود از تشخیص بیماری افراد مریض عاجز باشند و این امر منجر به طولانی شدن دوران بیماری افراد بیمار و گاهی فوت آنان می شود، بنابراین آیا این معاینات جایز است یا خیر؟

ج. اگر از موارد ضروری برای کسب تجربه و آگاهی از نحوه درمان بیماران و نجات جان آنان باشد، اشکال ندارد.

س18. در صورتی که هنگام ضرورت، معاینه بیمارانی که محرم نیستند، توسط دانشجویان رشته پزشکی جایز باشد، مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟

ج. تشخیص ضرورت موکول به نظر دانشجو باملاحظه شرایط است.

س19. گاهی در هنگام آموزش با مسئله معاینه غیرمحارم مواجه می شویم و نمی دانیم این کار برای آینده ضرورت دارد یا خیر؟ ولی به هر حال جزئی از روش درسی دانشگاه ها و وظیفه دانشجویی رشته پزشکی و یا حتّی تکلیفی از طرف استاد است. با توجه به این مطالب آیا انجام معاینات مزبور برای ما جایز است؟

ج. مجرد اینکه معاینه پزشکی، از برنامه های آموزشی و یا از تکالیف استاد به دانشجو است، مجوّز شرعی برای ارتکاب امر خلاف شرع محسوب نمی شود، بلکه ملاک در این زمینه فقط نیاز آموزشی برای نجات جان انسان و یا اقتضاء ضرورت می باشد.

س20. آیا در معاینه نامحرم که به خاطر ضرورت آموزش پزشکی وکسب تجربه و مهارت صورت می گیرد، بین معاینه اعضای تناسلی و سایر اعضای بدن تفاوت وجود دارد؟ بعضی از دانشجویان که بعد از اتمام تحصیل برای معالجه بیماران به روستاها و نقاط دوردست می روند، گاهی مجبور به زایمان زن و یا درمان آثار آن از قبیل خون ریزی شدید می شوند، این کار چه حکمی دارد؟ بدیهی است که اگر این خون ریزی و بیماری های دیگر به سرعت درمان نشود، حیات زنی که تازه زایمان کرده، در خطر خواهد بود، با علم به اینکه شناخت راه های معالجه ی این بیماری ها مستلزم کارآموزی در هنگام تحصیل علم پزشکی می باشد؟

ج. هنگام ضرورت فرقی بین حکم معاینه ی اعضای تناسلی و غیر آن ها نیست و ملاک کلی، احتیاج به تمرین و فراگیری علم پزشکی برای نجات جان انسان می باشد و در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.

س21. غالباً در معاینه اعضای تناسلی - اعم از اینکه توسط فرد مماثل (همجنس) صورت بگیرد یا خیر- احکام شرعی مانند نگاه کردن پزشک یا دانشجو از طریق آینه، رعایت نمی شود و چون ما برای فراگیری چگونگی تشخیص بیماری ها از آنان تبعیت می کنیم، وظیفه ی ما چیست؟

ج. تحصیل و فراگیری علم پزشکی از طریق معایناتی که فی نفسه حرام هستند، در مواردی که یادگرفتن این علم و شناخت راه های درمان بیماری ها متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد، مشروط بر اینکه دانشجو اطمینان داشته باشد که توانایی نجات جان انسان ها در آینده متوقف بر اطلاعاتی است که از این طریق به دست می آید و همچنین مطمئن باشد که در آینده در معرض مراجعه ی بیماران بوده و مسئولیت نجات جان آنان را بر عهده خواهد داشت.

نگاه کردن به تصویر نامحرم

س22. آیا نگاه کردن به عکس مردان و زنان غیرمسلمان که در کتاب های اختصاصی رشته ی درسی ما به صورت نیمه عریان وجود دارد جایز است؟

ج. اگر به قصد ریبه نباشد و خوف ترتّب مفسده هم در آن وجود نداشته باشد، اشکال ندارد.

س23. دانشجویان رشته ی پزشکی در خلال تحصیل، عکس ها و فیلم های مختلفی را از اعضای تناسلی بدن به قصد آموزش می بینند، آیا این عمل جایز است یا خیر؟ دیدن عورت غیر مماثل چه حکمی دارد؟

ج. نگاه کردن به فیلم ها و تصاویر فی نفسه اشکال ندارد، به شرط اینکه به قصد لذت نبوده و خوف ارتکاب حرام هم وجود نداشته باشد. آنچه حرام است نگاه به بدن غیر مماثل و لمس آن است.

کشف عورت و دیدن آن

س24. زن در هنگام وضع حمل نسبت به رعایت پوشش چه تکلیفی دارد؟ و زنان پرستار که به زن های دیگر درهنگام وضع حمل کمک می کنند، نسبت به کشف عورت و نگاه کردن به آن چه تکلیفی دارند؟

ج. جایز نیست زنان پرستار عمداً و بدون اضطرار، به عورت زنان در هنگام وضع حمل نگاه کنند و همچنین پزشک هم باید از نگاه کردن و لمس بدن زنی که بیمار است، تا زمانی که اضطرار پیدا نکرده، خودداری کند و بر زنان واجب است که در صورت توجه و توانایی، بدن خود را بپوشانند و یا از کس دیگری بخواهند این کار را انجام دهد.

دستگاه های تناسلی مصنوعی آموزشی

س25. در خلال تحصیلات دانشگاهی، برای آموزش از دستگاه های تناسلی مصنوعی که از مواد پلاستیکی ساخته شده اند استفاده می کنند، نگاه کردن و لمس آن ها چه حکمی دارد؟

ج. آلت و عورت مصنوعی حکم عورت واقعی را ندارد و نگاه کردن و لمس آن ها اشکال ندارد، مگر آنکه به قصد ریبه بوده و یا موجب تحریک شهوت گردد.

تحقیقات و معالجه های غیر مشروع

س26. مباحث من راجع به تحقیقاتی است که در محافل علمی غرب راجع به تسکین درد از طریق معالجه با موسیقی، معالجه با لمس، معالجه با رقص، معالجه با دارو و معالجه از طریق الکتریسیته مطرح است و مباحث آنان در این زمینه، نتیجه هم داده است. آیا شرعاً مبادرت به این تحقیقات جایز است؟

ج. تحقیق راجع به امور مذکور و آزمایش مقدار تأثیر آن ها در درمان بیماری ها شرعاً اشکال ندارد، به شرطی که مستلزم ارتکاب اعمالی که شرعاً حرام هستند نباشد.

س27. آیا در صورتی که آموزش اقتضا کند، جایز است زنان پرستار به عورت زن دیگر نگاه کنند؟

ج. اگر درمان بیماری ها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر درسی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد.

انجام تحقیقات پزشکی روی حیوانات

س28. اگر آزمایش های طبی روی حیوانات انجام شود و در پایان، حیوانات از بین بروند، صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت پزشکی جایز است؟

ج. فی نفسه منعی ندارد، لکن باید طوری عمل شود که موجب اذیت و آزار حیوان نشود.

فراگیری علوم پزشکی برای بانوان

س29. با توجه به مراجعه ی زنان به برخی پزشکان مرد و آثار مترتب بر آن، آیا بر زنانی که استعداد یادگیری علوم پزشکی مربوط به زنان را دارند، واجب است که این علوم را یاد بگیرند؟

ج. یادگیری درحد رفع نیازهای ضروری، واجب کفائی است.

آزمایش های پزشکی روی انسان

س30. اگر فایده ی آزمایش ها به سود تمامی افراد بشر باشد، آیا میتواند خود را در معرض چنین آزمایش هایی قرار دهد، با فرض اینکه علم به ضرر یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر داشته باشد؟

ج. جایز نیست مگر ضرورت پزشکی و مصلحت اهم اقتضا نماید و تأمین این ضرورت از راه های دیگر و بیخطر و یا کم خطرتر امکان پذیر نباشد.

آزمایش های پزشکی بر روی بیمار بدون اطلاع او

س31. در صورتی که آزمایش خاص پزشکی برای پیشرفت علم هیچ گونه ضرری برای بیمار نداشته باشد، آیا پزشک بدون اطلاع به بیمار و بدون کسب اجازه ی او میتواند چنین اقدامی نماید؟

ج. جایز نیست.

فاش کردن اسرار بیمار برای پیشرفت علم پزشکی

س32. آیا جهت امر آموزش بالینی دانشجویان و انترن ها [1] و رزیدنت ها [2] مجاز هستیم شرح حال مریض و بعضاً اسرار وی را در جمع پزشکان مطرح کنیم یا خیر؟

ج. اگر این امر به مصلحت بیمار بوده و یا برای آموزش دانشجویان مفید باشد مانعی ندارد.

پژوهش در طب اسلامی

س33. انجام دادن تحقیق و پژوهش در مورد حجامت [3] و فصد [4] و سایر موضوعات پزشکی مشابه که در روایات موجود است، مطابق با استانداردهای علمی بین المللی و بررسی آماری نتایج حاصل از آن، از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

ج. با رعایت اصول و موازین پزشکی روز بلامانع می باشد.

آموزش عمومی برای مبارزه با ایدز [5]

س34. با توجه به مصیبت بار بودن بیماری ایدز، آیا آموزش گروه های مختلف سنی را در مورد راه های انتقال و نحوه ی پیشگیری از بیماری ایدز، جایز می دانید؟

ج. فینفسه منعی ندارد، مگر آنکه مستلزم مفسده بوده و نتایج سوئی داشته باشد.

لزوم یادگیری مسائل شرعی مورد ابتلا برای پیراپزشکان [6]

س35. دانستن مسائل شرعی برای پزشکان، دندان پزشکان، داروسازان، پرستاران و به طور کلی پیراپزشکان، در حین آموزش و کار تا چه حدّی لازم است؟

ج. اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است.

دستورات غیرشرعی در مؤسسات پزشکی

س36. در صورتی که فتوای مراجع با عملکرد و گفتار بعضی از رؤسای بیمارستان های آموزشی یا آزمایشگاه ها مطابق نباشد، تکلیف دانشجویانی که موظف به اجرای دستور اساتید و پزشکان در امر معاینه اند، چیست؟ آیا باید از اساتید تبعیت کنند یا خیر؟

ج. در این زمینه دانشجویان باید به مسئولین مافوق مراجعه کنند تا آن ها هماهنگیهای لازم را انجام دهند و در صورت عدم هماهنگی موارد آن مختلف است و در هر جا که ضرورت باشد باید بر اساس آن عمل نمود.

معاینه بیماران غیر هم جنس در مراکز درمانی جهت آموزش

س37. در بخش های بیمارستانی معمولا هر دانشجوی پزشکی مسئولیت چند بیمار را عهده دار است، آیا دانشجویان می توانند نسبت به معاینه ی بالینی سایر بیماران غیر هم جنس که حکم آموزش دارد و نه تشخیص مبادرت نمایند؟

ج. اگر رفع نیاز پزشکی کشور متوقف بر آن باشد یا ضرورت دیگر لازم المراعاتی اقتضا کند مانع ندارد و گرنه نظر به نامحرم جایز نیست.

آموزش پزشکی با دیدن تصاویر عریان

س38. آیا دیدن تصاویر عریان زنان و مردان غریبه ی مسلمان وغیر مسلمان که جزو امر آموزش پزشکی هستند، اشکالی دارد؟

ج. نظر به عکس ناشناس بدون ریبه و فساد مانع ندارد.

اختلاف نظر استاد و دانشجو معاینه

س39. بسیاری از اساتید ذکر می کنند که بهترین معاینه، کاملترین آن است و عدم توجه به این موضوع در مواردی موجب اعتراض استاد به دانشجو می شود، در حالی که با تأمل در شرایط بیمار و لزوم عمل، دانشجو تشخیص می دهد که بسیاری از معاینات ضرورتی ندارد، تکلیف او در این صورت چیست؟

ج. در این زمینه دانشجویان باید به مسئولین مافوق مراجعه کنند تا آن ها هماهنگیهای لازم را انجام دهند و در صورت عدم هماهنگی موارد آن مختلف است و در هر جا که ضرورت باشد باید بر اساس آن عمل نمود.

---

1. فارغ التحصیل رشته پزشکی که در بیمارستان کار می کند تا اجازه طبابت دریافت کند.

2. پزشکی که بعد از دوره کارورزی برای آموزش بیشتر در بیمارستان اقامت می کند.

3. به روشی ازخونگیری اطلاق می شودکه جهت درمان بعضی ازبیماریها بکار می رود.

4. خارج کردن اخلاط اربعه به وسیله تیغ زدن مستقیم به رگ.

5. ایدز (AIDS) یا سندرم نقص ایمنی اکتسابی (syndrome deficiency immune Acquired) ، نوعی بیماری است که در دستگاه ایمنی و توسط ویروس نقص ایمنی (HIV) ایجاد می شود. بیماری ناشی از ویروس HIVدارای سه مرحله اصلی است: عفونت حاد، دوره نهفتگی و ایدز.

6. پیراپزشکی به هر یک از فنون و حرفه های مربوط به حفظ یا بازگرداندن سلامتی گویند که معمولاً باید زیر نظر یا با مشورت پزشک انجام گیرد مانند: فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، کاردرمانی، پرتونگاری .

احکام وضو، نماز و روزه

جراحت یا شکستگی در اعضای وضو

س40. شخصی که زخم یا دمل یا شکستگی در جلو سر یا پاها دارد و روی آن باز است و آب ریختن نیز روی آن ضرر دارد آیا باید تیمم کند؟ در غیر این صورت چه باید بکند؟

ج. اگر نمی توان روی زخم محل مسح دستِ تر بکشد باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می تواند پارچه ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد، احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

نماز های قضا شده در حال بیهوشی

س41. بیمارانی که به مدت یک روز یا چند روز به حالت بیهوش هستند و در اثر بیماری به حالت اغماء روند یا طی عمل جراحی توسط پزشک بیهوش شوند و نتوانند نماز بخوانند آیا نمازهای این مدت را باید قضا کنند؟

ج. بیهوشی اگر مستند به فعل خود شخص نباشد نمازش قضا ندارد و الا بنا بر احتیاط قضا دارد.

نماز شخص عاجز از ایستادن

س42. بیماری که ایستاده نماز می خواند و ناگاه در بین نماز احساس سرگیجه و عجز می کند، آیا می تواند بقیه ی نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟

ج. اگر معذور باشد مانع ندارد ؛ ولی اگر وقت دارد و می تواند نماز ایستاده بخواند در آن وقت بخواند.

نماز خواندن با خون «هموروئید»[1](بواسیر)

س43. آیا با خون «هموروئید» (بواسیر) داخلی یا خارجی می توان نماز خواند؟

ج. با خون بواسیر می شود نماز خواند چنانچه ازاله و تطهیر آن حرجی باشد اگر چه داخلی باشد.

استفاده از آمپول های غیرضروری برای روزه دار

س44. استفاده نه چندان ضروری از آمپول هایی که به جای غذا به کار می رود برای روزه دار چه حکمی دارد؟

ج. آمپول که برای تغذیه به کار می رود بنابر احتیاط واجب مبطل روزه است.

استفاده از وسایل دندان پزشکی برای روزه دار

س45. آیا بردن وسایل غیر خوراکی مثل وسایل دندان پزشکی در دهان باعث بطلان روزه می شود؟

ج. چنانچه چیزی در حلق وارد نشود مبطل نیست.

استفاده از اسپری برای روزه دار مبتلا به آسم

س46. برخی از بیماران مبتلا به آسم مجبور به استفاده از اسپری «سالبوتامول» [2] و ... برای باز کردن راه تنفسی می باشند، حکم روزه ی این دسته چیست؟

ج. وسیله ی مذکور اگر صرفاً برای بازکردن راه تنفس استفاده می شود مبطل روزه نیست.

تنقیه با چیز روان برای روزه دار

س47. تنقیه ضروری با چیز روان برای بیماری که هیچ منع دیگری برای روزه داری ندارد چه حکمی دارد؟

ج. مبطل روزه است.

---

1. هموروئید (بواسیر) به کلافه های عروقی ناحیه مقعد گویند که به علت فشار آمدن به کف لگن موقع اجابت مزاج ، پر خون و متورم شده و در صورت تکرار سبب پارگی این کلافه های عروقی شده و بصورت خونریزی و بیرون زدگی از مقعد نمایان می شود .

2. سالبوتامول هم به عنوان داروی اصلی در درمان حمله های آسم و هم به عنوان داروی نگهدارنده در موارد آسم مزمن مورد استفاده قرار می گیرد.

احکام زایمان

جلوگیری از بارداری

س48. آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری به طور موقت از طریق به کارگیری وسایل و موادی که از انعقاد نطفه جلوگیری می کنند، جایز است؟

ج. اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.

استفاده از دستگاه های جلوگیری از بارداری

س49. استفاده از یکی از دستگاه های جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از بارداری شناخته شده است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس حرام باشد، جایز نیست.

س50. آیا جلوگیری دائم از حاملگی برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد، جایز است؟

ج. جلوگیری از بارداری در فرض مذکور اشکال ندارد ؛ بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر خطر داشته باشد، باردار شدن به طور اختیاری جایز نیست.

جلوگیری دائمی از بارداری

س51. آیا جلوگیری دائمی از بارداری برای زنانی که زمینه مساعدی برای به دنیا آوردن فرزندانی معیوب یا مبتلا به بیماری های ارثی جسمی و روانی دارند، جایز است؟

ج. اگر با یک غرض عقلائی صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه ی شوهر باشد، اشکال ندارد.

بستن لوله ها توسط مرد

س52. بستن لوله های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی دارد؟

ج. اگر این کار با یک غرض عقلائی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد. اما انجام این عمل برای جلوگیری از افزایش جمعیت امر مذمومی است.

استفاده از روش های جلوگیری از بارداری

س53. آیا زن سالمی که حاملگی برای او ضرری ندارد، جایز است از طریق عزل یا دستگاه دیافراگم [1] یا خوردن دارو و یا بستن لوله های رحم، از بارداری جلوگیری کند، و آیا جایز است شوهرش او را وادار به استفاده از یکی از این راه ها غیر از عزل نماید؟

ج. جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل، اشکال ندارد و همچنین استفاده از راه های دیگر هم اگر با یک غرض عقلائی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته و با اجازه ی شوهر بوده و مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد. ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید.

س54. آیا جایز است زن بارداری که قصد دارد لوله های رحم خود را ببندد، از طریق عمل سزارین فرزند خود را به دنیا آورد تا در هنگام آن عمل، لوله های خود را هم ببندد؟

ج. حکم بستن لوله های رحم قبلاً گذشت، ولی جواز عمل سزارین متوقف بر نیاز به آن یا درخواست خود زن باردار است و به هر حال لمس و نظر مرد اجنبی به زن هنگام عمل سزارین و بستن لوله های رحم حرام است. مگر در حال ضرورت.

اذن شوهر در بستن لوله های زن

س55. آیا جایز است زن بدون اجازه ی شوهرش از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده نماید؟

ج. محل اشکال است.

رضایت زن در بستن لوله های مرد

س56. مردی که دارای چهار فرزند است، اقدام به بستن لوله های منی خود کرده است، آیا در صورت عدم رضایت زن، آن مرد گناهکار محسوب می شود؟

ج. جواز این کار متوقف بر رضایت زوجه نیست و چیزی بر عهده ی مرد نمی باشد.

جلوگیری از انعقاد نطفه

س57. آیا در صورتی که بچه دار شدن موجب بروز خطراتی برای مادر باشد، زن می تواند با اذن شوهر از انعقاد نطفه جلوگیری کند؟ بدون اذن شوهر چطور؟

ج. مانعی ندارد، اما درصورتی که باردارشدن برای او خطر قابل توجه داشته وحرجی باشد، بدون اذن شوهر نیز می تواند مانع انعقاد نطفه شود.

وظیفه ی شخصی که خود را عقیم کرده

س58. شخصی با عمل جراحی خود را عقیم کرده، آیا واجب است دوباره خود را معالجه کند تا در صورت امکان به حالت اول درآید؟

ج. واجب نیست.

حق تقدم در عقیم کردن یکی از زوجین

س59. در صورتی که بستن لوله های زن یا مرد اجازه داده شود، حق تقدم با کدام یکی است؟

ج. در صورت رعایت شروط شرعی حق تقدمی در کار نیست و از جهت تفاوت موقعیت افراد با پزشک مشورت شود.

جلوگیری از بارداری با «آی‌یو.دی» [(2)]

س60. با توجه به اینکه در قرار دادن «آی‌یو.دی»، در حال حاضر، لمس و نظر صورت می گیرد، آیا انجام دادن این عمل توسط پزشک زن، جایز است؟

ج. در فرض مرقوم جایز نیست مگر در مقام ضرورت.

کنترل جمعیت

س61. نظر اسلام در مورد کنترل توالد چیست؟ آیا مسلمانان می توانند از آن استفاده کنند؟ آیا استفاده از کاندوم و... صحیح است؟

ج. کنترل توالد و ازدیاد اولاد و استفاده از کاندوم فی نفسه اشکال ندارد. امّا انجام این عمل برای جلوگیری از افزایش جمعیت امر مذمومی است.

سزارین

س62. برخی از خانم های حامله که می توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کمتری را تحمل کنند. در این زمینه نظر حضرت عالی چیست؟

ج. اگر ضرری برای خود مادر یا کودک نداشته باشد، منعی ندارد.

عمل جراحی برای زنده ماندن مادر یا جنین

س63. زنی می خواهد وضع حمل کند. پزشک متخصص تشخیص داده که باید مادر و یا بچه به وسیله ی عمل جراحی یا طریقه ی دیگری کشته شود تا دیگری سالم بماند ؛ ولی بدون عمل جرّاحی هر دو می میرند و با عمل، به احتمال زیاد یکی از آن ها زنده می ماند. در این صورت عمل جرّاحی جایز است یا خیر؟ بر فرض جواز، زنده ماندن کدام اولی است؟

ج. در فرض سؤال عمل جرّاحی جایز است و هر کدام احتمال ماندنش بیشتر است او را زنده نگهدارند.

گذاشتن «آی. یو .دی» توسط پزشک

س64. گذاشتن «آی‌یو.دی» برای جلوگیری از حاملگی در زنان بدون لمس و نظر امکان پذیر نیست در این صورت آیا انجام عمل توسط پزشک زن یا مرد جایز است؟

ج. لمس و نظر جایز نیست هر چند اصل عمل جایز است در صورت اجازه ی شوهر.

عمل «وازکتومی» [(3)]

س65. آیا انجام عمل وازکتومی که برای عقیم و نازا کردن مردان و با رضایت خود آن ها صورت می گیرد و تقریباً غیر قابل برگشت است اشکال دارد یا نه؟ آیا برای انجام این عمل رضایت همسر ضرورت دارد؟

ج. این عمل فی نفسه مانع ندارد و باید از لمس و نظر حرام اجتناب شود و در مرد رضایت همسر معتبر نیست.

بستن لوله های رحمی

س66. بستن لوله های رحمی منجر به ناباروری دائمی می شود و امکان دوباره آبستن شدن مستلزم عمل جرّاحی و بازگشت قابلیت حامله شدن در بهترین شرایط حدود 50% است. آیا اقدام به این عمل جهت کنترل جمعیّت بلا مانع است؟

ج. این عمل فی نفسه اشکال ندارد و از لمس و [نگاه] حرام باید اجتناب شود و در زن باید با اجازه ی شوهر باشد.

جلوگیری از بارداری بدون اجازه ی شوهر

س67. آیا زن می تواند بدون رضایت شوهر ازقرص های ضدّ بارداری استفاده کند؟ یا مثلاً برای گذاشتن «آی. یو. دی» اقدام نماید؟

ج. اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.

---

1. دیافراگم یا سرپوش، پوششی از جنس لاستیک و با خاصیت کشسانی است که زن آن را در مهبل خود قرار می دهد تا دهانه رحم را بپوشاند.

2. یکی از وسایل پیشگیری از بارداری برای مدت طولانی است که داخل رحم قرار می گیرد.

3. وازکتومی (به انگلیسی:vasectomy) نوعی عمل جراحی در مردان برای پیشگیری از بارداری است. این روش که به «بستن لوله مردان» مشهور است.

أحكام سقط جنين

سقط جنين به دليل مشكلات اقتصادی

س68. آيا سقط جنين بر اثر مشكلات اقتصادی جايز است؟

ج. سقط جنين به مجرد وجود مشكلات و سختی های اقتصادی جايز نمی شود.

سقط جنين ناقص الخلقه

س69. پزشک بعد از معاينه در ماه های اول حاملگی به زن گفته است كه استمرار بارداری برای او احتمال خطر جانی دارد و در صورتی كه حاملگی ادامه پيدا كند، فرزندش ناقص الخلقه متولد خواهد شد و به همين دليل دستور سقط جنين داده است، آيا اين كار جايز است؟ و آيا سقط جنين قبل از دميده شدن روح به آن جايز است؟

ج. ناقص الخلقه بودن جنين، مجوّز شرعی برای سقط جنين، حتّی قبل از ولوج [1] روح در آن محسوب نمی شود، ولی اگر تهديد حيات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمينان باشد، سقط جنين قبل از ولوج روح در آن اشكال ندارد.

س70. پزشكان متخصص می توانند از طريق استفاده از روش ها و دستگاه های جديد، نواقص جنين در دوران بارداری را تشخيص دهند. با توجه به مشكلاتی كه افراد ناقص الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می شوند، آيا سقط جنينی كه پزشک متخصص و مورد اطمينان آن را ناقص الخلقه تشخيص داده، جايز است؟

ج. سقط جنين در هر سنی به مجرد ناقص الخلقه بودن آن و يا مشكلاتی كه در زندگی با آن مواجه می شود، جايز نمی شود.

سقط جنين

س71. آيا از بين بردن نطفه ی منعقد شده ای كه در رحم مستقر شده، قبل رسيدن به مرحله ی علقه كه تقريباً چهل روز طول می كشد، جايز است؟ و اصولا در كدام يک از مراحل ذيل سقط جنين حرام است:
1. نطفه ی استقرار يافته [2] در رحم،
2. علقه [3]،
3 ـ مضغه [4]،
4 ـ عظام [5] (قبل از دميدن روح) .

ج. از بين بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنين سقط جنين در هيچ يک از مراحل بعدی جايز نيست. [6]

سقط جنين با احتمال بيماری

س72. بعضی از زوج ها، مبتلا به بيماری های خونی بوده و دارای ژن [7] معيوب می باشند و در نتيجه ناقل بيماری به فرزندان خود هستند و احتمال اينكه اين فرزندان مبتلا به بيماری های شديد باشند، بسيار زياد است و چنين كودكانی از بدو تولد تا پايان عمر، دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد. مثلاً بيماران هموفيلی (8) همواره ممكن است با كوچک ترين ضربه ای دچار خون ريزی شديد منجر به فوت و فلج شوند. حال آيا با توجه به اينكه تشخيص اين بيماری در هفته های اول بارداری ممكن است، آيا سقط جنين در چنين مواردی جايز است؟

ج. اگر تشخيص بيماری در جنين قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنين فرزندی موجب حرج می باشد، در اين صورت جايز است قبل از دميده شدن روح، جنين را اسقاط كنند ؛ ولی بنابر احتياط، ديه ی آن بايد پرداخت شود.

س73. سقط جنين فی نفسه چه حكمی دارد؟ و در صورتی كه ادامه ی بارداری برای زندگی مادر خطر داشته باشد، حكم آن چيست؟

ج. سقط جنين شرعاً حرام است و در هيچ حالتی جايز نيست، مگر آنكه استمرار حاملگی برای حيات مادر خطرناک باشد كه در اين صورت سقط جنين قبل از ولوج [9] روح، اشكال ندارد، ولی بعد از دميدن روح جايز نيست، حتی اگر ادامه ی حاملگی برای حيات مادر خطرناک باشد، مگر آنكه استمرار بارداری، حيات مادر و جنين هر دو را تهديد كند و نجات زندگی طفل به هيچ وجه ممكن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهايی با سقط جنين امكان داشته باشد.

ديه سقط جنين ناشی از زنا

س74. زنی جنين هفت ماهه ی خود را كه ناشی از زنا بوده بنا به درخواست پدرش سقط كرده است، آيا ديه بر او واجب است؟ و بر فرض ثبوت ديه، پرداخت آن بر عهده ی مادر است يا پدر او؟ و در حال حاضر به نظر شما مقدار آن چقدر است؟

ج. سقط جنين حرام است هر چند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی شود و در صورتی كه مادر مباشر در سقط جنين باشد، ديه بر عهده ی مادر است. اما در مقدار ديه ی جنين در فرض سؤال، ترديد وجود دارد و احوط اين است كه مصالحه شود و اين ديه در حكم ارث كسی است كه وارث ندارد.

ديه سقط جنين

س75. مقدار دیه ی جنینی که دو ماه و نیم عمر دارد، در صورتی که عمداً سقط شود چقدر است و پرداخت آن برعهده ی کیست؟

ج. اگر علقه باشد، دیه ی آن چهل دینار است و اگر مضغه باشد، شصت دینار است و اگر استخوان بدون گوشت باشد، هشتاد دینار است و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می شود ؛ ولی وارثی که مباشر سقط جنین بوده، از آن سهمی ندارد.

س76. اگر زن بارداری مجبور به معالجه ی لثه یا دندان هایش شود و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، آیا با توجه به اینکه بیهوشی و عکس برداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می شود، سقط جنین برای او جایز است؟

ج. دلیل مذکور مجوّزی برای سقط جنین محسوب نمی شود.

خطر برای مادر با وجود جنین

س77. اگر جنین در رحم، مشرف به موتِ حتمی باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است و اگر شوهر آن زن مقلد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی داند، ولی زن و اقوام او از کسی تقلید می کنند که آن را جایز می داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟

ج. چون در فرض سؤال امر دائر است بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادر او، بنابر این چاره ای جز این نیست که لااقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود و در فرض سؤال، شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند، ولی واجب است تا حد امکان به گونه ای عمل شود که قتل طفل مستند به کسی نشود.

س78. آیا سقط جنینی که نطفه اش با وطی به شبهه [10] توسط فرد غیر مسلمان و یا با زنا منعقد شده، جایز است؟

ج. جایز نیست.

سقط جنین به خاطر حفظ آبرو

س79. اگر بارداری باعث خجالت و آبروریزی من یا خانواده ام شود، آیا می توانم در سه ماهه ی اول آن را سقط کنم؟

ج. سقط جنین شرعاً حرام است و آنچه در سؤال ذکر شده، مجوز آن نمی باشد.

سقط جنین به خاطر بیماری

س80. این جانب زنی باردار هستم. با توجه به وضعیت نامناسب جسمانی و ترس از تشدید کم خونی، ناراحتی معده و ضعف کلی بدن، مایل به سقط جنین هستم. لطفاً حکم شرعی را بیان کنید.

ج. سقط جنین جایز نیست و موارد مذکور موجب حلیّت آن نمی باشد.

کتمان ناقص بودن جنین

س81. با پیشرفت علوم پزشکی و جنین شناسی در دوران بارداری اطباء ناقص الخلقه بودن جنین را تشخیص می دهند و اگر بخواهند ناقص الخلقه بودن جنین را به اطلاع والدین برسانند، ممکن است آن ها اقدام به سقط جنین یا اقدام به رفع نقص جنین نمایند، در حالی که احتمال بهبودی بسیار ضعیف است. در فرض سؤال اطلاع دادن دکتر جایز است یا نه؟

ج. اطلاع دادن فی نفسه واجب نیست، مگر آنکه قانونی در این زمینه موجود باشد، یا غرض از مراجعه به طبیب و پرداخت پول به او اطلاع از حال جنین باشد.

سقط جنین مشرف به موت

س82. در صورتی که می دانیم مسلماً جنین بعد از تولد خواهد مرد، آیا سقط درمانی جایز است؟

ج. اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج می باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند، ولی بنابر احتیاط، دیه ی آن باید پرداخت شود.

دیه ی جنینی که به دستور مادر، سقط شده

س83. اگر دکتر به دستور مادر، جنین را سقط کند، دیه ثابت می شود یا قصاص؟

ج. در فرض مرقوم، دیه ثابت می شود و بر عهده ی دکتر است.

وجوب پرداخت دیه بر مباشر سقط

س84. دیه ی سقط جنین که با رضایت کامل پدر و مادر، و از راه های مختلف انجام می شود، به عهده ی کیست؟

ج. دیه بر عهده ی مباشر سقط می باشد. اگر دکتر مستقیماً سقط را انجام دهد، دیه بر عهده ی اوست و اگر پرستار تزریق نماید، به عهده ی اوست و اگر مادر دارو را خورده بر عهده ی مادر می باشد و در همه ی موارد، دیه باید به ورثه ی طفل پرداخت شود که در موارد اول و دوم پدر و مادر و در مورد سوم پدر است که اگر

ایشان عفو نمایند، ساقط می شود ؛ هر چند گناه آنکه قتل نفس یا مشابه آن انجام داده باشد ثابت است.

ملاک جواز سقط جنین

س85. در منابع و عرف پزشکی، خطر جانی و مرگ مادر و احتمال عوارض در حاملگی ها و بیماری های مختلف، با درصد تعیین می شود. آیا سقط درمانی، فقط در مواردی که درصد بالایی از خطر، مادر یا کودک را تهدید می کند، جایز است، یا درصد پایین نیز می تواند مجوز باشد؟

ج. ناقص الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین ـ حتّی قبل از ولوج روح در آن ـ محسوب نمی شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد و یا موجب مشقت شدیده باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.

از بین بردن تعدادی از جنین ها برای حفظ بقیه

س86. با توجه به روش های درمان نازایی که در حال حاضر انجام می شود، گاهی اوقات حاملگی های چند قلو (چهار قلو) اتفاق می افتد، که در اکثر موارد، با زایمان زودرس در ماه های پنجم و ششم همراه است و جنین ها به ثمر نرسیده و از بین می روند. یکی از روش هایی که امروزه در دنیا انجام می شود، کاهش تعداد این جنین ها در ماه های اول حاملگی (پنجاه تا شصت روزگی) است، تا بقیه ی جنین ها بتوانند رشد نمایند و حاملگی به ثمر برسد. آیا این روش درمانی از نظر شرع مقدس اسلام جایز است یا خیر؟

ج. اگر کاهش بعضی از جنین ها، موجب زنده ماندن بقیه شود (و عدم کاهش، سبب از بین رفتن همه ی آن ها گردد) اشکال ندارد.

خارج کردن زود هنگام جنین از رحم مادر

س87. اگر دکتر متخصص تشخیص دهد که اگر جنین با عمل جراحی خارج شده و در دستگاه نگهداری شود، به حیات خود ادامه خواهد داد، آیا اقدام به عمل جراحی جایز است؟ آیا حکم مسئله، قبل از ولوج روح و بعد از آن فرق دارد یا نه؟

ج. با فرض اینکه جنین در دستگاه زنده خواهد ماند، بیرون آوردن آن اشکالی ندارد و فرقی بین قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح نیست.

سقط عمدی جنین

س88. من در هفته ی دهم حاملگی عمداً جنین را سقط کرده ام. نسبت به سقط جنین چه باید بکنم؟

ج. سقط جنین بر شما حرام بوده است که مرتکب شدید، لیکن دیه ی شرعی جنین را ضامن هستید، و باید دیه را به وارث شرعی او بپردازید و خودتان از این دیه ارث نمی برید.

---

1. دمیده شدن

2. حالتی که منی وارد رحم زن شود و بین تخم ذکور و تخمک اناث، امتزاج حاصل گردد که آن را لقاح نیز می گویند.

3. علقه به معنای خون بسته دومین مرحله از مراحل جنینی است.

4. مرحله ای که جنین شبیه گوشت جویده شده است.

5. مرحله ای از جنین که استخوان ها به وجود می آیند.

6. اجوبةالأستفتائات، سؤال 1264، صفحه ی 278

7. ژن یا ماده وراثتی (factor hereditary) ، ماده پیچیده ای است که در هنگام تقسیم می تواند همانند خود را بوجود آورد. واحدهایی از این ماده وراثتی از پدر و مادر به فرزندان انتقال می یابند. این واحدها دارای ویژگیهای بسیار پایدار بوده و بطور مشخص موجودی را که صاحب آن است، تحت تاثیر قرار می دهند.

8. هموفیلی یک اختلال خونریزی دهنده مادرزادی است که در آن فرد مبتلا فاکتورشماره 8 که برای انعقاد خون لازم است را ندارد یا دچار کمبود آن است.

9. دمیده شدن

10. آمیزش با زن بیگانه به گمان حلال بودن این کار.

احکام تلقیح مصنوعی

لقاح مصنوعی از یک زن و شوهر

س89. الف) آیا لقاح آزمایشگاهی در صورتی که اسپرم و تخمک از زن و شوهر شرعی باشد، جایز است؟ و بر فرض جواز، آیا جایز است این کار توسط پزشکان اجنبی صورت بگیرد؟
ب) آیا فرزندی که از این طریق به دنیا می آید ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند؟
ج) بر فرض که عمل مذکور فی نفسه جایز نباشد، آیا موردی که نجات زندگی زناشویی متوقف بر آن باشد، از حکم عدم جواز استثناء می شود؟

ج. الف) عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.
ب) کودکی که از این طریق متولد می شود، ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند.
ج) گفته شد که عمل مذکور فی نفسه جایز است.

لقاح مصنوعی از مرد و زن نامحرم

س90. گاهی بعضی از زوج ها به علت عدم تخمک گذاری در زن که وجود آن برای عمل لقاح ضروری است، مجبور به جدایی شده و یا به علت عدم امکان درمان بیماری و بچه دار نشدن، با مشکلات زناشویی و روحی مواجه می شوند، آیا در این صورت جایز است که به روش علمی از تخمک گذاری زن دیگری برای انجام عمل لقاح با نطفه ی شوهر در خارج از رحم استفاده شود و سپس نطفه ی لقاح یافته به رحم آن زن منتقل گردد؟

ج. عمل مذکور هر چند فی نفسه اشکال ندارد، ولی کودکی که از این طریق متولد می شود ملحق به صاحب نطفه و تخمک بوده و الحاق آن به زنی که صاحب رحم است، مشکل می باشد. لذا باید نسبت به احکام شرعی مربوط به نسب، احتیاط رعایت شود.

لقاح مصنوعی بعد از فوت مرد

س91. اگر نطفه از شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم او منتقل شود، اولاً آیا این عمل شرعاً جایز است؟ ثانیاً آیا کودکی که متولد می شود، فرزند آن مرد است و از نظر شرعی به او ملحق می شود؟ و ثالثاً آیا فرزندی که به دنیا می آید از صاحب نطفه ارث می برد؟

ج. عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست، ولی از او ارث نمی برد.

س92. آیا تلقیح نطفه ی مردی نامحرم به همسر مردی که بچه دار نمی شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

ج. تلقیح زن از طریق نطفه ی مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آن ها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی شود ؛ بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

لقاح مصنوعی از دو زن و یک شوهر

س93. اگر زن شوهرداری به علت یائسگی یا غیر آن تخمک گذاری نکند،
الف) آیا جایز است تخمکی از زن دوم شوهرش، بعد از تلقیح با نطفه ی شوهر به رحم او منتقل شود؟ و آیا در این مورد تفاوتی هست بین اینکه او یا زن دوم، همسر دائم باشند یا موقت؟
ب) کدام یک از دو زن مادر کودک خواهند بود؟ صاحب تخمک یا صاحب رحم؟
ج) آیا این عمل در صورتی که نیاز به تخمک همسر دیگر به خاطر ضعف تخمک زن صاحب رحم باشد، به حدّی که در صورت لقاح نطفه ی شوهر با آن، خوف این وجود داشته باشد که کودک معیوب متولد شود، نیز جایز است؟

ج. الف) اصل عمل مذکور شرعاً مانعی ندارد و در این حکم، فرقی نیست بین اینکه نکاح آنان دائم باشد یا منقطع و یا یکی دائم باشد و یکی منقطع.
ب) کودک ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است و الحاق او به صاحب رحم هم مشکل است. بنابر این باید در ترتیب آثار نسب، نسبت به وی احتیاط مراعات شود.
ج) این کار فی نفسه جایز است.

س94. آیا در صورت های زیر تلقیح زن با نطفه ی شوهرش که از دنیا رفته، جایز است؟
الف) بعد از وفات شوهر، ولی قبل از انقضای عدّه،
ب) بعد از وفات او و بعد از انقضای عدّه،
ج) اگر آن زن بعد از فوت شوهرش با مرد دیگری ازدواج نماید، آیا جایز است خود را با نطفه ی شوهر اولش تلقیح کند؟ و آیا در صورت فوت شوهر دوم، جایز است خود را با نطفه ی شوهر اولش بارور کند؟

ج. این عمل فی نفسه اشکال ندارد و فرقی نمی کند که قبل از انقضای عدّه باشد یا بعد از آن و همچنین فرقی نیست بین اینکه ازدواج کرده باشد یا خیر، و در صورت ازدواج هم فرقی نمی کند که لقاح با نطفه ی شوهر اولش بعد از وفات شوهر دومش باشد یا در حال حیات او، ولی اگر شوهر دوم او زنده باشد، باید این کار با اجازه و اذن او صورت بگیرد.

نگهداری تخمک های بارور شده

س95. امروزه می توان تخمک هایی را که در خارج از رحم بارور شده اند در مکان های مخصوصی به طور زنده نگهداری کرد و در صورت نیاز آن ها را در رحم صاحب تخمک قرار داد، آیا این کار جایز است؟

ج. این عمل فی نفسه اشکال ندارد.

بانک اسپرم

س96. نگهداری اسپرم غیر شوهرـ اعم از محارم زن یا غیر محرم با زن ـ در بانک اسپرم یا محل نگهداری دراز مدت اسپرم مرد و استفاده از آن در مواقع لزوم برای زن، چه حکمی دارد؟

ج. تلقیح زن از طریق نطفه ی مرد نامحرم فی نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آن ها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی شود، بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.

تخمک های باقی مانده در آزمایشگاه

س97. بعد از انتقال تخم لقاح یافته، تعدادی از آن ها در آزمایشگاه باقی می ماند. حکم استفاده از آن ها برای زن و شوهر نازای دیگر و یا دور ریختن یا کارهای آزمایشگاهی مانند مطالعات ژنتیک بر روی آن ها چیست؟

ج. اشکال ندارد.

روش های برداشت تخمک از زن

س98. از آنجایی که در انجام لقاح آزمایشگاهی، جهت آبستنی مصنوعی، گرفتن اسپرم (نطفه) از شوهر و نیز برداشت تخمک از تخمدان زن ضرورت دارد، نظر مبارک حضرت عالی در موارد ذیل چیست؟
1ـ برداشت تخمک از تخمدان با هدایت سونوگرافی [1] از طریق مهبل (واژن) زن، که این کار توسط متخصص زنان و در اتاق عمل، تحت شرایط کاملاً استریل (بهداشتی) و با ضرورت نگاه به عورت زن انجام می پذیرد.
2ـ برداشت تخمک با هدایت سونوگرافی، ولی از طریق لاپاراسکوپی [2] که مستلزم نگاه به عورت زن نیست. شایان ذکر است در سال های اخیر به خاطر پرخطر و پرهزینه بودن، از این روش استفاده نمی شود.

ج. در تمامی موارد عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.

استفاده از تخمک زن اجنبی با وجود تخمک ضعیف زوجه برای باروری

س99. تخمک های زنی ضعیف می باشد و لذا فرزندان ناقص الخلقه ای به دنیا می آورد. آیا جایز است تخمک زن دومی را در آزمایشگاه با اسپرم شوهر زن اول لقاح دهند و سپس جنین را به رحم زن اول منتقل نمود؟

ج. فی نفسه منعی ندارد.

استفاده از اسپرم مرد اجنبی برای لقاح در آزمایشگاه

س100. در مواردی که مرد به علتی قادر به تولید اسپرم نباشد آیا می توان از اسپرم اهدایی مرد اجنبی (ناشناس یا شناس) جهت امتزاج نمودن با تخمک همسرش در آزمایشگاه استفاده نمود و بعد جنین تشکیل شده را به رحم خانم بیمار منتقل کرد تا پس از وضع حمل مولود توسط بیمار و همسرش نگهداری شود.

ج. فی نفسه بدون ارتکاب محرّمی مانع ندارد و حکم ولد نیز بیان شد.

تلقیح مستقیم

س101. آیا این امکان هست که اسپرم اهدایی را با تخمک همسر بیمار در آزمایشگاه ممزوج نکرد، بلکه مستقیماً به داخل رحم همسر بیمار تلقیح نمود تا جنین در همان جا تشکیل شود؟

ج. فی نفسه اشکال ندارد و در این صورت با فرض اینکه تخمک از همسر بیمار است، طفل فرزند او می باشد و به شوهرش محرم است.

محرمیت نوزادان از یک تلقیح مصنوعی، در رحم زن

س102. به فرض تحقق آبستنی مصنوعی در آینده، اگر از نطفه ی مصنوعی که در "رحم زن" کشت داده شده دو نوزاد دختر و پسر به عمل می آیند آیا این دو می توانند ازدواج کنند؟ با محارم مادری چطور؟

ج. برادر و خواهرند و با محارم زن صاحب رحم محرم هستند.

محرمیت نوزادان از یک تلقیح مصنوعی، در رحم مصنوعی

س103. به فرض تحقق آبستنی مصنوعی در آینده، اگر از نطفه ی مصنوعی که در "رحم مصنوعی"، دختر و پسری به عمل آیند آیا آن دو نسبت برادر و خواهری دارند و نمی توانند با یکدیگر ازدواج کنند؟

ج. در فرض مرقوم نسبت برادر و خواهری متحقق نمی شود و ازدواجشان مانع ندارد.

تعیین جنسیت برای خنثی

س104. برخی از افراد در ظاهر مذکر هستند، ولی از جهات روحی و روانی ویژگی های جنس موٴنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان به طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می افتند. آیا معالجه ی آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟

ج. عمل جرّاحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتب مفسده ای نباشد.

س105. انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.

حکم تغییر جنسیت

س106. آیا تغییر جنسیت جایز است یا خیر؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.

تغییر جنسیت افراد دو جنسی

س107. آیا تغییر جنسیت برای دوجنسی ها و اشخاص خنثی که تغییر جنسیت در عمل برای آنان ممکن است تا آن ها را به یکی از دو جنس ملحق کنند، و همچنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشنی در آن ها دیده می شود و لکن در خود بعضی از آثار جنس مخالف و از جمله حرکات و رفتار و سکنات جنس مخالف را مشاهده می کنند، جایز است یا نه؟ و آیا تنقیص جنسیت جایز است یا نه؟ لطفاً جواب را مشروحاً بیان فرمایید.

ج. عمل جرّاحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتب مفسده ای نباشد.

تغییر ژنتیکی جنین انسان

س108. آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به منظور اصلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه در آن، مانند انتخاب رنگ پوست، افزایش ضریب هوشی و غیره، جایز است؟

ج. اگر مستلزم مفسده ای نباشد، فی نفسه منعی ندارد.

تعیین جنسیت جنین با رژیم غذایی

س109. آیا تعیین جنسیّت جنین به کمک رژیم غذایی جایز است؟ و آیا این عمل دخالت در، طبیعت و خواست الهی محسوب نمی شود؟

ج. فی نفسه اشکال ندارد.

---

1. دستگاه تصویربرداری با کمک امواج ماوراء صوت.

2. بازکردن شکاف کوچک در جدار شکم.

احکام تشریح میّت و پیوند اعضاء

تشریح میت مسلمان و دفن أجزاء

س110. بررسی بیماری های قلب و عروق و برگزاری سلسله مباحث راجع به آن، برای کشف مسائل جدید، مستلزم دستیابی به قلب و عروق افرادی است که از دنیا رفته اند، تا معاینه و آزمایش بر روی آن ها انجام شود، با توجه به اینکه آنان بعد از آزمایشات و بررسی ها بعد از یک روز یا بیشتر اقدام به دفن آن ها می کنند، سؤال این است:
1 ـ آیا انجام این بررسی ها بر روی جسد فرد مسلمان جایز است؟
2 ـ آیا دفن قلب و عروقی که از جسد میّت برداشته شده اند، جدا از آن جسد، جایز است؟
3 ـ با توجه به مشکلات دفن قلب و عروق به طور جداگانه، آیا دفن آن ها همراه با جسد دیگر، جایزاست؟

ج. اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میّت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میّت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده اند، در صورتی که دفن آن ها با جسد، حرج [1] یا محذوری نداشته باشد، واجب است با خود جسد دفن شود و الا دفن آن ها به طور جداگانه و یا با جسد میّت دیگر جایز است.

تشریح میت برای کشف حقیقت

س111. آیا تشریح برای تحقیق در علت مرگ در صورت مشکوک بودن، مانند شک در اینکه میّت بر اثر سم مرده یا خفگی و یا غیر آن، جایز است یا خیر؟

ج. اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

تشریح جنین سقط شده

س112. تشریح جنین سقط شده در تمامی مراحل عمرش، برای دستیابی به اطلاعاتی در علم بافت شناسی، با توجه به اینکه وجود درس تشریح در دانشکده ی پزشکی ضروری است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر نجات جان نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به تشریح جنین سقط شده باشد، این عمل جایز است. ولی سزاوار است که تا حد امکان از جنین سقط شده متعلق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود.

برداشتن پلاتین از بدن میّت

س113. آیا استخراج قطعه ی پلاتین از بدن میّت مسلمان از طریق تشریح جسد قبل از دفن، به علت قیمت و کمبود آن، جایز است؟

ج. استخراج پلاتین در فرض سؤال، به شرطی که بی احترامی به میّت محسوب نشود، جایز است.

نبش قبر مسلمان جهت آموزش پزشکی

س114. آیا نبش قبور اموات ـ اعم از اینکه در قبرستان مسلمانان باشند یا غیر آن هاـ برای دستیابی به استخوان آنان به منظور استفاده های آموزشی در دانشکده ی پزشکی جایز است؟

ج. نبش قبور مسلمانان برای این کار جایز نیست، مگر آنکه نیاز فوری پزشکی برای دستیابی به آن ها وجود داشته باشد و دسترسی به استخوان میّت غیرمسلمان هم ممکن نباشد.

برداشتن اعضاء بیمار زنده

س115. اگر شخصی مبتلا به بیماری شود و پزشکان از درمان وی ناامید گردند و اعلام نمایند که او به زودی از دنیا خواهد رفت، در این صورت آیا برداشتن اعضای حیاتی بدن او مثل قلب و کلیه و غیره قبل از وفات وی و پیوند آن ها به بدن شخص دیگر جایز است؟

ج. اگر برداشتن اعضای بدن او منجر به مرگ وی شود، حکم قتل او را دارد، و در غیر این صورت اگر با اجازه ی خود او باشد اشکال ندارد.

پیوند رگ های میت به بیمار

س116. آیا استفاده از عروق و رگ های جسد شخص متوفّی برای پیوند به بدن یک فرد بیمار، جایز است؟

ج. اگر با اذن میّت در دوران حیاتش و یا با اذن اولیای او بعد از مردنش باشد و یا نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد، اشکال ندارد.

پیوند قرنیه میت بدون اذن اولیای میت وثبوت دیه

س117. آیا در قرنیّه ای که از بدن میّت جدا شده و به بدن انسان دیگری پیوند زده می شود و در حالی که این کار غالباً بدون اجازه ی اولیاء میّت انجام می

شود، دیه واجب است؟ و بر فرض وجوب، مقدار دیه هر یک از چشم و قرنیّه چقدر است؟

ج. برداشتن قرنیّه از بدن میّت مسلمان حرام است و موجب دیه می شود که مقدار آن پنجاه دینار است، ولی اگر با رضایت و اذن میّت قبل از مرگش، برداشته شود، اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

استعمال داروهای هورمونی و پیوند بیضه

س118. یکی از مجروحین جنگ از ناحیه ی بیضه هایش زخمی شده، به طوری که منجر به قطع آن ها گشته است، آیا استفاده از داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانه اش برای او جایز است؟ و اگر تنها راه دستیابی به نتایج مذکور و پیدا کردن قدرت بچه دار شدن، پیوند بیضه ی فرد دیگری به او باشد، حکم آن چیست؟

ج. اگر پیوند بیضه به بدن او ممکن باشد به طوری که بعد از پیوند و التیام، جزئی از بدن او شود، از جهت طهارت و نجاست اشکال ندارد و همچنین از جهت قدرت بچه دار شدن و الحاق فرزند به او هم مشکلی نیست. استعمال داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانگی اش هم اشکال ندارد.

اهداء کلیه در زمان حیات

س119. با توجه به اهمیّت پیوند کلیه برای نجات جان بیماران، پزشکان به فکر افتاده اند که یک بانک کلیه ایجاد کنند و این بدین معنی است که افراد زیادی به طور اختیاری مبادرت به اهداء یا فروش کلیه می کنند، آیا فروش یا اهدای کلیه یا هر عضو دیگری از بدن به طور اختیاری جایز است؟ این عمل هنگام ضرورت چه حکمی دارد؟

ج. مبادرت مکلف در هنگام حیات، به فروش یا هدیه کردن کلیه یا هر عضو دیگری از بدن خود برای استفاده بیماران از آن ها در صورتی که ضرر معتنابه برای او نداشته باشد، اشکال ندارد ؛ بلکه در مواردی که نجات جان نفس محترمی متوقف بر آن باشد، اگر هیچ گونه حرج یا ضرری برای خود آن شخص نداشته باشد، واجب می شود.

اهداء اعضا بیمار مرگ مغزی

س120. بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می شوند که بر اثر آن، همه ی فعالیت های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو می روند و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرّکات نوری و فیزیکی می شوند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می ماند که موقت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می گیرد و این حالت به مدّت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می کند، وضعیت مزبور در علم پزشکی مرگ مغزی [2] نامیده می شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت های ارادی می گردد و از طرفی بیمارانی وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنابراین آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج. اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده اند، برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

اهداء اعضا بعد از مرگ و وصیت به آن

س121. علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده ام. آنان نیز از من خواسته اند که آن را در وصیتنامه ی خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقّی را دارم؟

ج. استفاده از اعضای میّت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیّت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضایی که برداشتن آن ها از بدن میّت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میّت محسوب شود.

عمل جراحی زیبایی

س122. انجام عمل جراحی برای زیبایی چه حکمی دارد؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد.

س123. در صورتی که عمل جراحی زیبایی برای زنان توسط پزشک مرد مستلزم نگاه کردن و لمس باشد آیا انجام آن جایز است؟

ج. عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی شود و نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست، مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد.

تشریح جسد مسلمان در صورت نبود جسد کافر

س124. با توجه به اینکه در شرایط فعلی به دست آوردن جسد انسان کافر ممکن نیست و از طرفی جامعه ی اسلامی هم محتاج پزشکانی ماهر و زبردست است تا از این نظر به خودکفایی برسد، لذا خواهشمند است نظر مبارک خود را در مورد تشریح در شرایط فعلی مرقوم فرمایید.

ج. اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است ویا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به تشریح باشد، این عمل جایز است. ولی سزاوار است که تا حد امکان از جسد متعلق به مسلمانان استفاده نشود ؛ لکن در صورت عدم

امکان، مانعی ندارد.

تشریح جسد برای تشخیص جرم

س125. آیا می توان برای تشخیص جرم در مرگ های مشکوک، کالبد شکافی کرد یا نه؟ آیا قاضی شرع، بدون رضایت ولی می تواند اقدام کند؟

ج. اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد و اجازه ی ولی شرط است ؛ مگر اینکه کشف حقیقت متوقف بر آن بوده و قاضی نیز آن را لازم بداند.

دیه ی تشریح میّت مسلمان

س126. در تعلیم و تعلم طب، تشریح جسد معمول، بلکه ضروری است. آیا برای این موضوع مهم اجتماعی، تشریح جسد مسلمان جایز است یا نه؟ و آیا موجب دیه می شود یا نه؟

ج. در صورت امکان استفاده از بدن غیر مسلمان، از بدن مسلمان استفاده نشود و در صورت لزوم دیه ندارد.

وصیت به تشریح یا اهدای عضو

س127. آیا وصیت قبلی مسلمان در زمان حیات، در مورد استفاده از بدن او برای تشریح یا استفاده از بعضی اعضای او مانند کلیه، قلب و چشم، اثری در حکم جواز و رفع دیه دارد یا نه؟

ج. در مورد تشریح، در صورت لزوم تأثیری ندارد، لکن در استفاده از اعضاء اگر با رضایت و اذن میت قبل از مرگش و یا با اذن اولیاء او بعد از مردنش باشد اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

تشریح مرده ی مشکوک بین اسلام و کفر

س128. آیا تشریح جسدی که در اسلام او تردید است، جایز می باشد؟

ج. تشریح مرده ی مشکوک که راهی برای حکم به اسلام او نباشد، مانعی ندارد.

تجسس در اسلام میّت برای تشریح

س129. آیا دانشجوی پزشکی که موظف به تشریح است باید از کم و کیف چگونگی تهیه ی اجساد برای تشریح آگاهی یابد؟ یعنی تجسس کند که آیا مسائل شرعی رعایت شده یا نه؟ جسد مربوط به مسلمان است یا نه؟

ج. تجسس، لازم نیست.

نگاه به جسد نامحرم و لمس آن در زمان تشریح

س130. در صورت جایز بودن کالبد شکافی، حکم عورتین و نگاه نامحرم به بدن میت و مس میت موقع کالبد شکافی را بیان فرمائید؟

ج. اگر درمان بیماری ها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آموزشی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد. اگر میت را غسل نداده باشند در صورت مس کردن آن، غسل واجب بر آن مترتب است.

نظر شیعه و سنی در تشریح جسد مسلمان

س131. آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع، در عدم جواز تشریح جسد، وجود دارد؟

ج. تفاوتی بین مسلمانان، چه اهل تشیع و چه اهل تسنن نیست.

تشریح جسد مسلمان اعدامی

س132. آیا می توان جسد افراد به ظاهر مسلمان (مسلمان شناسنامه ای) را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق مواد مخدر، مسائل سیاسی و ... اعدام شده اند، تشریح کرد؟

ج. از اجساد متعلق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود، مگر آن که ضرورت باشد. اما ارتداد محکوم به کفر است و استفاده از جسد او مانع ندارد.

تشریح جسد بی وارث

س133. در دانشگاه های علوم پزشکی، از اجساد افرادی که صاحب ندارند، برای تشریح و یادگیری دانشجویان استفاده می شود و یا اعضای آن ها را مثل قلب، کبد و کلیه اغلب بدون اجازه ی صاحبان میت در شیشه ها نگهداری می کنند، لطفاً نظرتان را در این مورد بیان فرمایید؟

ج. نداشتن صاحب، دلیل بر جواز امر مذکور نیست.

خرید جسد کفار

س134. با وجود امکان تهیه ی جسد کافر از خارج که مستلزم تعیین بودجه و خرید آن است، آیا واجب است که مسئولین ذی ربط به آن اقدام نمایند تا از تشریح میت مسلمان جلوگیری شود یا خیر؟

ج. واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود.

تشریح جسد مجهول الهویه

س135. گاهی اوقات ممکن است جسد مجهول الهویه ای پیدا شود که هیچ اطلاعی از ملیّت و مذهب او وجود ندارد؟ آیا چنین اجسادی قابل تشریح هستند یا نه؟

ج. اگر در بلاد اسلامی، باشد جایز نیست. چون حکم اسلام بر او مترتب است.

پیوند اعضای حیوانات به انسان

س136. آیا می توان برای پیوند اعضا از اعضای حیوانات چه حرام گوشت چه حلال گوشت وچه نجس العین برای انسان استفاده کرد؟ لطفاً نظرتان را در این مورد بفرمایید.

ج. مانع ندارد ولی نماز خواندن با آن اشکال دارد، مگر اینکه از قبیل چیزهایی باشد که دارای حیات است که با پیوند آن به بدن انسان حیات پیدا کند و جزو بدن انسان گردد. و در حکم مذکور تفاوتی میان انواع حیوانات، حتّی نجس العین نیست.

پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس

س137. پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس چه حکمی دارد؟

ج. در اهدای عضو جهت پیوند، فرقی نیست که گیرنده مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

اهدای اعضای غیر اصلی انسان

س138. قطع اعضای غیر رئیسه [3] از شخص زنده چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضرر قابل ملاحظه ای نداشته باشد اهدای عضو مانع ندارد.

پیوند اعضای مرده

س139. قطع اعضای مرده در صورت های ذیل چه حکمی دارد؟
1ـ وصیت کرده بر اینکه اعضای او را پس از مرگ برای پیوند جدا کنند؟
2ـ وصیت نکرده ولی حفظ جان مسلمان بر آن متوقف است؟

ج. 1- مانع ندارد.
2- در این صورت اشکالی نیست.

گرفتن پول در برابر اهدای عضو

س140. پول گرفتن در برابر اعضای جدا شده چه حکمی دارد؟

ج. مانع ندارد و می تواند در مقابل واگذاری حق اختصاص یا در مقابل اجازه دادن پول بگیرد.

طهارت و نجاست اعضای پیوندی

س141. پس از پیوند عضو حکم آن از نظر طهارت و نجاست در حالات زیر چگونه است؟
1ـ در ابتدای عمل جراحی که پیوند صد درصد برقرار نشده است.
2ـ با گذشت زمان که پیوند صد درصد برقرار شده است.

ج. 1- اگر هنوز میته باشد، نجس است.
2- چنانچه صدق میته به آن نکند، پاک است.

اهداء عضو زنده شیعه به غیر شیعه یا غیر مسلمان

س142. با توجه به اتفاق فقها در حکم حرمت اضرار به نفس، مبنای حکم جواز پیوند اعضاء چیست؟ چنانچه مبنای این حکم اهمیت حفظ جان مسلمان در برابر حرمت اضرار به نفس باشد، این سؤال مطرح می شود که اگر شخص اهدا کننده ی عضو، شیعه و شخص گیرنده ی عضو، غیر شیعه یا غیر مسلم باشد، آیا باز هم حفظ جان چنین شخصی از اضرار به نفس یک شیعه مهم تر است؟

ج. مطلق اضرار به نفس دلیل بر حرمت ندارد و اهدای عضو جهت پیوند به بدن شخص دیگر از مصادیق اضرار به نفس به نحو کلی نیست. زیرا ممکن است برای کثیری از افراد ضرر به همراه نداشته باشد و در اهدای عضو جهت پیوند فرقی نیست که گیرنده مسلمان هم مذهب باشد یا غیر مسلمان، و اگر نجات جان

گیرنده ی مسلمان متوقف بر پیوند عضو باشد، چنانچه برای دهنده ضرر معتنابه نداشته باشد، چه بسا واجب است که اهدا کند و یا بفروشد.

1. مشقت زیاد

2. مرگ مغزی به وضعیت غیر قابل بازگشت همه عملکردهای مغز اطلاق می شود. درچنین وضعیتی همه ی سلول های مغز در اثر نرسیدن اکسیژن تخریب می شوند.

3. اعضای غیر حیاتی.

احکام ختنه

ختنه پسران

س143. آیا ختنه کردن واجب است؟

ج. ختنه ی پسران واجب است و شرط صحت طواف در حج و عمره می باشد و اگر تا بعد از بلوغ به تأخیر بیفتد، بر خود آنان واجب است که ختنه کنند.

س. شخصی ختنه نکرده، ولی حشفه اش [1] به طور کامل از غلاف [2] بیرون است، آیا ختنه کردن بر او واجب است؟

ج. اگر بر روی حشفه هیچ مقداری از غلاف که قطع آن واجب است وجود نداشته باشد، ختنه ی واجب موردی ندارد.

ختنه دختران

س144. آیا ختنه کردن دختران واجب است یا خیر؟

ج. واجب نیست.

1. قسمت ابتدایی محل خروج ادرار.

2. زائده ی گوشتی که هنگام تولد در قسمت ابتدایی محل خروج ادرار قرار دارد.

احکام مماثل

کشف عورت برای استخدام

س145. آیا معاینه ی عورت افراد توسط یک مؤسسه ی نظامی جایز است؟

ج. کشف عورت دیگران و نگاه کردن به آن و وادار کردن صاحب عورت به کشف عورت در برابر دیگران جایز نیست، مگر آنکه ضرورتی مثل رعایت قانون و یا معالجه، آن را اقتضا کند.

معنی ضرورت در لمس و نظر حرام

س146. کلمه ی «ضرورت» به عنوان شرط جواز لمس زن یا نظر به او توسط پزشک، زیاد تکرار می شود، «ضرورت» چه معنایی دارد و حدود آن کدام است؟

ج. مراد از ضرورت در فرض سؤال این است که تشخیص بیماری و درمان آن متوقف بر لمس و نظر باشد و حدود ضرورت هم ، بستگی به مقدار نیاز دارد.

کشف عورت برای پزشک مماثل

س147. آیا برای پزشک زن نگاه کردن و لمس عورت زن برای معاینه و تشخیص بیماری جایز است؟

ج. جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

لمس و نظر حرام برای پزشک غیر مماثل

س148. آیا لمس بدن زن و نگاه کردن به آن توسط پزشک مرد هنگام معاینه، جایز است؟

ج. درصورتی که درمان منوط به لمس و نگاه کردن به آن باشد و معالجه با مراجعه به پزشک زن امکان نداشته باشد، اشکال ندارد.

نگاه مستقیم پزشک به عورت مماثل

س149. نگاه کردن پزشک زن به عورت زن دیگر و لمس آن در صورتی که معاینه ی آن به وسیله ی آینه امکان داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که نگاه کردن با آینه ممکن باشد و نگاه کردن مستقیم و لمس ضرورتی نداشته باشد، جایز نیست.

لمس بیمار توسط پرستار غیر مماثل

س150. اگر برای پرستار غیر مماثل (غیر هم جنس با بیمار) هنگام گرفتن نبض (فشارخون) و چیزهای دیگری که احتیاج به لمس بدن بیمار دارند، دست کردن دستکش امکان داشته باشد، آیا انجام آن اعمال بدون دستکش هایی که پزشک هنگام درمان بیمار از آن ها استفاده می کند، جایز است؟

ج. با امکان لمس از روی لباس یا با دست کردن دستکش هنگام معالجه، ضرورتی به لمس بدن مریض غیر مماثل (غیر هم جنس) وجود ندارد و بنابر این جایز نیست.

نگاه به عورت

س151. آیا غیر از شوهر، نگاه کردن افراد دیگر به عورت زن حتی پزشک، به طور مطلق حرام است؟

ج. نگاه کردن غیر از شوهر حتی پزشک و بلکه پزشک زن به عورت زن حرام است، مگر هنگام اضطرار و برای درمان بیماری.

مراجعه به پزشک غیر مماثل

س152. آیا مراجعه ی زنان به پزشک مرد که متخصص بیماری های زنان است در صورتی که تخصص او از پزشکان زن بیشتر باشد و یا مراجعه به پزشک زن مشقت داشته باشد، جایز است؟

ج. اگر معاینه و درمان منوط به نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست به پزشک مرد مراجعه کنند، مگر در صورتی که مراجعه به پزشک زن حاذق و متخصّص غیرممکن و یا خیلی سخت باشد.

س153. اگر برای ازدواج، نیاز به آزمایش خون باشد، چنانچه دکتر زن برای این کار نباشد، آیا دکتر مرد که نامحرم است می تواند این کار را انجام دهد؟ در صورتی که دکتر زن وجود دارد ولی در اثر بی توجهی و امثال آن، دکتر مرد اقدام به این کار می کند تکلیف چیست؟

ج. اگر ضرورتی نباشد جایز نیست و سهل انگاری و بی توجّهی مجوّز این امر نیست.

معاینه توسط پزشک نامحرم برای کنترل سلامتی

س154. آیا معاینه ی افراد غیر بیمار برای کنترل سلامتی آن ها، توسط پزشک نامحرم جایز است؟

ج. اگر ضرورت نباشد جایز نیست.

نگاه به جسد هم جنس و غیرهم جنس

س155. نگاه به جسد هم جنس و غیرهم جنس، مسلمان باشد یا غیرمسلمان تا چه حدی جایز است؟

ج. نگاه به جسد هم جنس غیر از عورتین اشکال ندارد و در غیر هم جنس حکم زمان حیات را دارد.

مراجعه به پزشک غیرمماثل برای درمان نازائی

س156. آیا نازایی حکم مرض را دارد تا مراجعه به دکتر مرد حاذق تر، مجاز باشد؟ و با توجه به بالا رفتن سن بنده و اینکه تا جایی که توانسته ام نزد دکترهای مجرب زن رفته ام، فعلاً مجاز به معاینه شدن توسط دکتر مرد هستم یا خیر؟

ج. نازائی فی نفسه، بیماری محسوب نمی شود و مجوز مراجعه به پزشک نامحرم برای لمس و نظر حرام نمی گردد. بلی اگر احتمال عقلایی می دهید که نازایی شما ناشی از بیماری قابل علاج باشد و دسترسی به پزشک زن که بتواند شما را معالجه و معاینه کند ندارید، مراجعه به پزشک مرد جهت معاینه و معالجه اشکال ندارد.

مراجعه به پزشک نامحرم در موارد ضروری

س157. اگر بیمار خانمی که جانش در خطر است به تنها پزشک یک روستای دورافتاده که مرد است، مراجعه کند آیا این پزشک مجاز است هرگونه معاینه ی ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟

ج. چنانچه مورد ضرورت باشد اشکال ندارد.

مراجعه ی روستائیان به پزشک نامحرم

س158. اگر زنی دچار بیماری خفیفی شده به طوری که جانش در خطر نیست، با فرض دوری او از شهر و وجود پزشک مرد در روستا حتماً باید به پزشک خانم در شهر مراجعه کند و یا در همان جا، پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری، اقدام به تشخیص و درمان نماید؟

ج. چنانچه به طور عادی و بدون حرج و مشقت، رفتن به شهر میسّر است، باید در شهر به پزشک زن مراجعه نماید.

نگاه به داخل بدن نامحرم

س159. در صورتی که شکم بیمار توسط دستیار زن باز شود، با توجه به اینکه نظر به پوست و ظاهر شکم صورت نمی گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می شود، آیا پزشک مرد می تواند به عمل بستن لوله ها بپردازد؟

ج. نگاه به باطن بدن زن و ظاهر آن فرقی ندارد و در هر دو صورت اگر ضرورت باشد، جایز است و در غیر این صورت، جایز نیست.

برهنه کردن بیمار در اتاق عمل

س160. آیا به خاطر حفظ فضای استریل اتاق عمل می توان مجروح را برهنه کرده و از مقابل انظار پزشکان و پیراپزشکان عبور داد؟

ج. می توان از لباس ها یا ملحفه ای که قبلا استریل شده، بعد از بیرون آوردن لباس های بیمار استفاده نمود تا بیمار برهنه نباشد.

کمک مرد نامحرم به زن در حال زایمان

س161. بفرمایید در صورتی که زنی نباشد تا به زائو در وضع حمل کمک کند، آیا مرد می تواند دخالت کند؟

ج. اگر عدم دخالت مرد موجب تهدید حیات مادر یا کودک باشد، مانعی ندارد.

حجامت توسط نامحرم

س162. آیا زن می تواند مرد نامحرم را حجامت کند؟

ج. با توجّه به اینکه حجامت مستلزم نظر به بدن مرد و احیانا لمس است جایز نیست.

معاینه دکتر غیر مماثل

س163. آیا دکتر زن می تواند مرد نامحرم را ویزیت کند؟ (با لمس بدن)

ج. با امکان لمس از روی لباس یا با دست کردن دستکش هنگام معالجه مانع ندارد و بهتر است اگر ضرورت ندارد مرد به دکتر زن مراجعه نکند و چنانچه مستلزم لمس یا نظر حرام باشد، جایز نیست.

قرار دادن «نورپلانت» [1] توسط پزشک نامحرم

س164. قرار دادن «نورپلانت» توسط پزشک مرد در صورتی که فقط سطح خارجی بازو مشاهده شود، چه حکمی دارد؟

ج. با وجود پزشک زن، پزشک مرد مبادرت به این عمل ننماید، مگر آنکه ضرورتی در کار باشد مانند اینکه پزشک زن وجود نداشته، و این عمل برای آن زن لازم باشد.

مراجعه بیمار زن به دندان پزشک مرد

س165. مراجعه ی بیمار زن به دندان پزشک مرد جهت معالجات دندان پزشکی چه حکمی دارد؟

ج. اگر برای این گونه کارها، دسترسی به پزشک زن دارند، مراجعه به پزشک مرد، اگر مستلزم نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست.

1. نورپلانت نوعی کپسول است که در زیر پوست بازو کاشته می شود و یکی از روشهای پیشگیری از بارداری محسوب می شود.

احکام خون

انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان

س166. آیا انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان، جایز است یا نه؟

ج. جایز است.

فروش خون

س167. فروش خون چه حکمی دارد؟

ج. با فرض اینکه انتقال خون دارای منفعت عقلایی است، فروش آن مانعی ندارد.

تزریق خون از زن به مرد یا بالعکس و یا از کافر به مسلمان

س168. تزریق خون به دستور پزشک از زن به مرد یا بالعکس و یا از کافر به مسلمان چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد.

احکام نجاست

اطلاع دادن نجاست وسایل پزشکی به بیمار

س169. با توجه به امکان نجس شدن لباس و بدن بیمار، آیا لازم است نجس بودن وسایل مورد استفاده در مصارف پزشکی ـ از قبیل: تخت معاینه، وسایل پزشکی، یونیت[1] و غیره ـ را به وی تذکر دهیم؟

ج. رد فرض سوال اطلاع دادن لازم نیست.

نجاست وسایل بیمارستان های بلاد غیراسلامی

س170. این جانب به علت نیاز به عمل جراحی مجبور شدم به یکی از بیمارستان های خارج از کشور بروم. آیا تختی که بیماران روی آن استراحت می کنند، نجس است؟ حکم خود بیمارستان از لحاظ طهارت و نجاست چیست؟

ج. تا یقین به نجاست آن ها نباشد، محکوم به طهارت هستند.

استفاده از نخ بخیه ی تهیه شده از حرام گوشت

س171. استفاده ی پزشک از نخ های بخیه که احیاناً بعضی از آن ها از اجزای حیوانات حرام گوشت به دست آمده است، چه حکمی دارد؟

ج. فی نفسه اشکال ندارد.

نجاست داخل دهان

س172. کسی که دندانش را پر می کند، هنگامی که دهانش خونی می شود لازم است داخل دهان را نیز آب بکشد یا نه؟

ج. به طورکلی باطن بدن انسان با زوال عین نجاست پاک می شود.

ورود مجدد وسایل پزشکی نجس به داخل دهان

س173. ورود مجدد و مکرر وسیله ای که در اثر ترشحات آلوده به خون دهان خود بیمار نجس گردیده به داخل دهان او چه حکمی دارد؟

ج. ورود مجدد وسیله ی نجس به دهان بیمار اشکال ندارد.

پاک بودن الکل طبی

س174. تماس دست با الکل طبی چه حکمی دارد؟

ج. بدون علم به نجاست محکوم به طهارت است.

س175. آیا الکلی که جهت ضد عفونی، بعد از تزریقات به کار برده می شود نجس است؟

ج. اگر مسکر مایع بالاصل[2] نیست یا مشکوک است پاک است.

خون خشک شده روی زخم

س176. تماس با خون خشک شده روی زخم بعد از طهارت چه حکمی دارد؟

ج. اگر خون است نجس است و تماس با آن با رطوبت مسریه (سرایت کننده) موجب نجاست ملاقی (ملاقات کننده) است.

تماس با بافت های مرده

س177. گاهی لازم است بافت های مرده مجاور عضو زنده و سالم برای مراقبت از موضع عمل و جلوگیری از عفونت بریده و حذف شود. تماس با بافت های مذکور چه حکمی دارد؟

ج. اگر صدق می کند که جزء بدن است یعنی درد و سوزش دارد و بریده می شود بنابر احتیاط واجب نجس است ؛ ولی مسّ آن غسل ندارد.

تطهیر دندان مصنوعی در دهان

س178. اگر به واسطه خونی شدن دهان، دندان مصنوعی نیز با خون تماس پیدا کند آیا می توان بدون بیرون آوردن آن از دهان، نسبت به تطهیر آن اقدام نمود؟

ج. ممکن است و حتی با آب قلیل هم ممکن است.

حکم خونابه ی محل زخم

س179. خونابه ای که پس از طهارت و برطرف کردن خون محل زخم را فرا می گیرد چه حکمی دارد؟

ج. اگرخون دارد نجس است.

حکم خون مُرده ی زیر ناخن یا زیر پوست

س180. آیا تماس با خون مُرده ی زیر ناخن یا زیر پوست پاک است؟

ج. اگر در باطن است و ظاهر نشده و ملاقی آن بعد از خارج شدن خون ندارد ملاقی نجس نیست و اگر ظاهر است و خون است نجس است و ملاقی آن با رطوبت مسریه نجس می شود.

نجاست سوزن سرنگ در عمل خون گیری

س181. گاهی در عمل خون گیری سوزن سرنگ به داخل رگ فرو می رود و به خون آغشته می شود ولی به علت اینکه خون به داخل سرنگ جریان نمی یابد یا کافی نیست لازم می شود که از محل دیگری مبادرت به خون گیری شود آیا سوزن نجس می شود؟ آیا نمی توان از این سوزن استفاده ی مجدد نمود؟

ج. استفاده مجدد مانع ندارد و اگر در خارج خون ندارد و با رطوبت مسریه با نجس دیگری ملاقات نکرده پاک است.

تطهیر خون با پنبه ی آغشته به الکل

س182. گاهی موقع خون گیری از بیمار، خون با دست گیرنده ی خون تماس پیدا می کند. آیا با پنبه ی الکلی می توان محل را تطهیر کرد یا مطابق آنچه که در احکام آمده است باید طهارت شود؟

ج. تطهیر متنجّسات[3] از قبیل مذکور در سؤال باید با آب باشد.

لمس استخوان شخص زنده

س183. در برخی از شکستگی ها، استخوان بیرون می زند در حالی که از بدن جدا نشده آیا مسّ آن نیاز به غسل دارد؟ انفصال استخوان مذکور چطور؟

ج. اگر از شخص زنده است غسل مسّ ندارد و اگر از میّت است به مسّ آن غسل واجب می شود مطلقاً.

لمس عضو خشک شده و فاقد روح

س184. لمس عضوی از بدن انسان زنده که خشک شده و فاقد روح است چه حکمی دارد؟

ج. مانند سایر اعضای بدن زنده است و حکم خاصّی ندارد.

---

1. صندلی مخصوص دندان پزشکی که از بخش های مختلفی تشکیل شده است.

2. مشروبات مست کننده دو دسته اند: اول: آنچه از ابتدا مایع بوده است مثل شراب و دوم: آنچه که ابتدا جامد بوده است و بعد با انجام فرآیندی تبدیل به مایع شده است. خوردن هر نوع ماده ی مست کننده حرام است اما حکم نجاست بنابر احتیاط واجب مخصوص مست کننده هایی است که از ابتدا مایع بوده است.

3. نجس شده به عین نجاست.

احکام حق طبابت و گواهی پزشکی

حق طبابت و گواهی پزشکی

س185. با توجه به اینکه حق طبابت از لحاظ مادی، غیرقابل تعیین می باشد ؛ به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست؟ آیا مقدار تعیین شده توسط دولت، در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟

ج. اگر طبق تعرفه های معین شده، گرفته شود منعی ندارد.

دریافت حق طبابت قبل از بهبودی بیمار

س186. آیا دریافت حق طبابت قبل از بهبودی بیماری، طبق روش مرسوم صحیح است؟

ج. فی نفسه منعی ندارد.

دریافت حق طبابت از بیماری که بهبود نیافته

س187. اگر پزشک در طبابت خود کمال دقت و تلاش را برای بهبودی بیمار انجام دهد، ولی بهبودی برای وی حاصل نشود، آیا پزشک نسبت به حق ویزیت مدیون است یا نه؟

ج. در فرض سوال مدیون نیست.

دریافت حق طبابت و عمل جراحی قبل از انجام کار

س188. آیا دریافت حق طبابت و یا عمل جراحی، قبل از انجام آن کارها، جایز است؟

ج. اگر بر اساس توافق طرفین و مطابق مقرّرات نظام پزشکی باشد اشکال ندارد.

صدور گواهی پزشکی

س189. برخی از افراد به پزشک مراجعه می کنند و از او تقاضای گواهی پزشکی برای محل کار و... می نمایند. مثلا می گویند که به علت سرماخوردگی دو روز به اداره نرفته اند. آیا در صورت اطمینان به صحت گفتار آن ها می توان گواهی برایشان صادر کرد؟

ج. در فرض مرقوم که پزشک اطمینان به بیماری آن ها دارد، اگر خلاف قانون و مقرّرات مربوطه نباشد، صدور گواهی مانعی ندارد.

صدور گواهی نادرست برای بیمار

س190. صدور گواهی نادرست از طرف پزشک برای بیمار، سهوا یا عمدا، چه حکمی دارد؟

ج. عمدا جایز نیست و در صورت سهو باید در صورت امکان آن را تدارک [1] و جبران کند.

مطالبه ی مبلغ اضافی از بیمار بابت عمل جراحی

س191. همان طوری که به احتمال زیاد شنیده اید، اکثر پزشکان از بیمارانی که می خواهند عمل کنند مبلغی پول به عنوان حق الزحمه ی عمل جراحی ـ که به زیرمیزی مشهور شده ـ می گیرند، حال می خواستم بدانم این پول چه حکمی دارد؟ حلال است یا حرام است؟

ج. پزشک اگر کارمند دولت در بیمارستان باشد که حقوق خود را از صندوق دولت دریافت می کند و یا عمل جراحی را بر اساس دریافت اجرت عمل از شرکت بیمه دریافت می نماید، حق مطالبه ی مبلغ اضافی از بیمار را ندارد.

---

1. باید ضرری را که با دادن گواهی نادرست به شخص یا موسسه ای وارد کرده است جبران نماید.

احکام ضمان[1]

ضمان ضرر ناشی از حساسیت دارویی بیمار

س192. با توجه به اینکه ممکن است جان بیمار به طور اورژانس در خطر باشد و زمان، جهت تعیین حساسیت فرد نسبت به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده و دچار عوارض شدید یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض، مسئولیتی خواهد داشت؟

ج. کسی که آن دارو را به بیمار خورانده یا تزریق کرده ضامن است. توضیحاً یادآور می شود، در موارد ثبوت ضمان، گذشت که اذن بیمار یا کسان وی تأثیری در ارتفاع و سقوط ضمان ندارد، ولی کسی که در صورت ایراد آسیب به بیمار ضامن است، اگر پیش از اقدام بر عمل جراحی یا هر عمل علاجی دیگر از بیمار یا از اولیای وی برائت از ضمان پیشاپیش بگیرد، در این صورت ضامن نیست.

ضمان لطمات وارده بر بیمار در حین درمان

س193. در مواردی برای درمان بیمار، پزشک ناچار به ایراد لطمه ای دیگر به بیمار می شود. مثلاً برای احیای قلب بیمار سکته کرده، ماساژ می دهد که منجر به شکستن دنده ها می شود یا برای تحریک رفلکس بیمار به او سیلی می زند و پرده ی کوشش پاره می شود، آیا در موارد فوق پزشک ضامن است؟

ج. اگر نجات جان بیمار، مستلزم ایراد آسیبی بر وی باشد، پزشک ضامن نیست.

ضمان لطمات وارده از طرف دستیاران پزشک

س194. در مراکز آموزشی که برای آینده، پزشک متخصص تربیت می نمایند و به دلیل کمی مهارت دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطراتی متوجه جان بیمار می گردد، اگر احیاناً نقص عضو و فوتی واقع شود، آیا دستیار مربوطه ضامن است یا پزشک مسئول و استادیار مربوطه؟

ج. در فرض مزبور دستیار یا هر کس که به بیمار آسیب رسانده ضامن می باشد.

ضمان لطمات وارده شده به بیمار بدون تفریط پزشک

س195. در مواردی که به علل غیرمربوط به کار پزشک، مثل اختلال در دستگاه ها و رفتن برق و ... به بیمار لطمه ای وارد می شود، ضامن کیست؟

ج. در فرض مرقوم پزشک ضامن نیست و کسی که در بررسی دستگاه ها و وصل برق ذخیره و از این قبیل کوتاهی کرده ضامن می باشد.

ضمان لطمه به بیمار در اثر توصیه ی دارو

س196. معمولاً مشاهده می شود که برخی از افراد عادی در امر پزشکی دخالت و قرص، آمپول یا دارویی را برای مریض توصیه می نمایند آیا در صورتی که این امر منجر به مرگ یا آسیب جسمی شود چگونه است؟

ج. اگر طبابتی نبود و فقط توصیف دارو کرده و مریض به اختیار خود اقدام به استعمال نموده ضمانی در بین نیست.

مرگ جنین در صورت بی اطلاعی پزشک از حاملگی بیمار

س197. اگر پزشک معالج از حاملگی بیمار سؤال نکند و بیمار هم پزشک را در جریان قرار ندهد در صورتی که دارو یا روش تشخیصی مورد استفاده منجر به ضرر و عارضه شود مسئولیّت بر عهده ی کیست؟

ج. اگر روش تشخیصی پزشک معالج یا داروی تجویزی وی که مریض به اعتماد بر تجویز او استعمال نموده موجب ضرر و عارضه شود پزشک ضامن خسارت است.

ضمان پزشک متخصص و دانا در صورت فوت بیمار

س198. در صورتی که بیمار یا ولیّ او به پزشکی که در کارش متخصص و داناست اجازه ی معالجه دهد، آیا در صورت مرگ بیمار، پزشک ضامن است؟

ج. اگر معلوم نیست که طبابت طبیب موجب مرگ او شده باشد ضامن نیست و چنانچه در اثر اشتباه طبیب حادثه واقع شده ضامن است مگر در صورتی که قبل از طبابت تبرّی [2] کرده باشد.

ضمان لطمه به بیمار توسط دستیاران به علت عدم حضور استاد

س199. در مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی دولتی دستیاران به ویژه در سال های نخست باید با حضور و راهنمایی اساتید خود اقدام به عمل جرّاحی نمایند در صورتی که دستیار با اجازه ی استاد خود یا با این امید که استاد می گوید: «شما کار را شروع کنید من هم می رسم» ولی حاضر نمی شود، به تنهایی یا با همراهی سایر دستیاران عمل جرّاحی را به پایان رساند و آسیبی به بیمار وارد شود که ناشی از عدم حضور استاد است مسئول کیست؟

ج. مسئول، مباشر ورود آسیب است و استاد ضامن نیست.

ضمان لطمه به بیمار در صورت انجام نشدن عمل جراحی به خاطر ناتوانی در پرداخت هزینه

س200. پزشکی به علّت فقر مالی مریض که قادر به پرداخت اجرت عمل جرّاحی نیست از معالجه و جرّاحی بیماری اورژانس اجتناب می کند و در نتیجه بیمار فوت می کند یا عمل جرّاحی در روزهای دیگر به اندازه ی همان روز نمی تواند مفید باشد آیا پزشک ضامن است؟ اغلب بیمارستان ها اول پول دریافت می کنند و سپس مریض را به پزشک ارجاع می دهند در صورتی که تأخیر در این امر منجر به مرگ یا عوارض دیگر شود آیا این کار غیر شرعی نیست؟

ج. پزشک یا اهمال کننده، ضامن موت یا عوارض ذکرشده نیستند هر چند اگر در حفظ نفس یا معالجه ی واجب کوتاهی شده باشد گناهکار هستند.

1. اصطلاح ضمان در مباحث فقهی چندین مصداق دارد اما آنچه که در این بحث مقصود است عبارتست از: حقی که به خاطر وارد کردن ضرر مالی یا جانی به کسی بر گردن واردکننده ی ضرر آمد ه باشد.

2. پزشک از خود سلب مسئولیت کرده باشد.

احکام مسائل متفرقه ی پزشکی

استمناء به دستور پزشک

س201. آیا انجام عمل استمناء به دستور پزشک برای آزمایش و معاینه ی منی جایز است؟

ج. در مقام معالجه، در صورتی که درمان منوط به آن بوده و استمناء به وسیله ی همسر ممکن نباشد، اشکال ندارد.

استمناء جهت بررسی وضعیت اسپرم ها

س202. بررسی وضعیت اسپرم ها در مردان نیازمند عمل استمناء است ولی عدم انجام این تست، حیاتی نیست آیا این کار جایز است؟

ج. اگر برای علاج مرض ضرورت ندارد جایز نیست و در موارد ضرورت حکم سایر محرّمات در موارد ضرورت را دارد.

جراحی بینی و گوش جهت زیبایی

س203. جراحی بینی و یا گوش جهت زیبایی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج. اگر موجب ضرر قابل اعتنا و چشمگیر نباشد، فی نفسه منعی ندارد.

کاشتن مو

س204. آیا کاشت مو در سر برای کسی که موهای سرش سوخته است و در انظار عمومی مردم از این جهت رنج می برد، جایز است؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد، به شرط اینکه از موی حیوان حلال گوشت و یا موی انسان باشد.

استفاده از «هیپنوتیزم»

س205. نظر حضرت عالی در خصوص کاربرد «هیپنوتیزم» در علوم پزشکی و درمان بیماری های قابل علاج با این روش چیست؟

ج. اگر به منظور غرض عقلایی و با رضایت کسی که می خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد اشکال ندارد.

استفاده از «هیپنوتیزم» جهت درمان بیماری

س206. کاربرد هیپنوتیزم در معالجه برخی بیماری های روانی و جسمانی نظیر آسم، چاقی مفرط، بیماری های زنان و ... توسط یک پزشک (غیر روان پزشک) چه حکمی دارد؟

ج. اگر همراه با حرام و به منظور حرامی انجام نشود اشکال ندارد.

فاش کردن اسرار بیمار در موارد ضروری

س207. اگر بیمار نارضایتی خود را از افشای بیماری خود اعلام نماید، ولی ضرورت درمان اقتضا می کند که نوع بیماری برای بستگانش فاش شود، وظیفه ی پزشک معالج در این صورت چیست؟

ج. در صورتی که نجات جان او بستگی به آن داشته باشد، لازم است.

دادن پرونده ی پزشکی بیمار به سایر پزشکان

س208. آیا می توان پرونده ای را که اسرار بیمار در آن بایگانی می شود، در اختیار پزشکان دیگر غیر از پزشک معالج یا بستگان بیمار قرار داد؟

ج. موارد آن مختلف است و در صورتی که این عمل باعث دستیابی به معالجه ی بیمار و یا نجات جان بیماران دیگر باشد، مانعی ندارد و بلکه در مواردی لازم است.

کسانی که فقط از نظر پزشکی زنده اند

س209. بیمارانی که از نظر عرف، مرده به حساب می آیند، اما از نظر علم پزشکی زنده می باشند و یا بالعکس چه حکمی دارند؟

ج. حکم انسان زنده را دارد.

استفاده از سلول های بنیادین برای مقاصد درمانی

س210. آیا استفاده از سلول های بنیادین استخراج شده از جنین انسان قبل از لانه گزینی در رحم برای مقاصد درمانی، جایزاست؟ لازم به یادآوری است که مراکز تحقیقاتی معمولاً نمونه های خود را از جنین های دور ریخته شده در مؤسسه های باروری (F.V.I) به دست می آورند.

ج. فی نفسه منعی ندارد.

استفاده از میوه های ژنتیکی

س211. آیا استفاده از میوه ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی، جایز است؟

ج. فی نفسه منعی ندارد.

شبیه سازی حیوانات

س212. آیا کلونینگ[1](شبیه سازی) حیوانات، جایز است؟

ج. فی نفسه منعی ندارد.

روکش طلا و پلاتین دندان

س213. آیا گذاشتن روکش طلا روی دندان اشکال دارد؟ روکش پلاتین چطور؟

ج. گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان های جلو با طلا، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.

ترک معالجه ی بیمار روانی خطرناک

س214. اگر بیمار روانی ای که هر زمان احتمال دارد دست به آدمکشی بزند، بیماری دیگری هم پیدا کرد، آیا جایز است برای اینکه جان افرادی تــوسط وی به خــطر نیفتد، از درمان بیماری جدید او اعراض نموده و او را مورد معالجه قرار نداد؟

ج. در هر صورت حفظ جان انسان لازم است و ترک درمان در صورتی که موجب مرگ شود، جایز نیست ؛ لکن باید او را طوری نگهداری کنند که موجب آزار دیگران نشود.

نبش قبر مشکوک

س215. اگر ندانیم قبری متعلق به مسلمان است یا غیر مسلمان، آیا مجازیم نبش قبر کنیم؟

ج. اگر در بلاد مسلمین باشد جایز نیست.

استفاده از گوشت حرام برای درمان بیماری

س216. در صورتی که علاج بیماری متوقف بر استفاده از گوشت حرام و چیز نجس باشد آیا جایز است شخص چنین کند؟

ج. اگر ضرورت علاج اقتضا کند به مقدار ضرورت تجویز می شود.

عمل جراحی بی تاثیر روی بیمار

س217. پزشکی یقین دارد که عمل جرّاحی روی بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد که بیمار چه عمل شود یا نشود بیش از مدت کوتاهی زنده نخواهد ماند. آیا جایز است بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان اقدام به جرّاحی نماید یا نه؟

ج. مانع ندارد به شرط آنکه در فوت او تاثیر نداشته باشد.

تشریح عوارض عمل جراحی به بیمار

س218. آیا پزشک معالج موظف است عوارض یا ضایعات احتمالی ناشی از عمل جرّاحی را برای بیمار تشریح نماید؟

ج. موظف نیست ولی اگر تحصیل برائت از ضمان عوارض[2]، متوقف بر آن باشد باید در اخذ برائت، عوارض و ضایعات را تذکر دهد.

وجوب رو به قبله کردن بیمار محتضر

س219. آیا پزشک یا پرستاری که شاهد بیمار محتضر است، رو به قبله کردن بیمار واجب می شود؟ آیا نیاز به اجازه از ولیّ او دارد؟

ج. بنابر احتیاط واجب است و با علم به رضایت ولی، تحصیل اجازه لازم نیست.

جداسازی بیماران نامحرم در بخش مراقبت های ویژه

س220. در برخی از بخش های مراقبت ویژه که بیماران کمایی بستری هستند به جداسازی بیماران مرد و زن مبادرت نمی شود و حتی در پوشاندن این بیماران نیز توجه معمول نظیر سایر بیماران عنایت نمی شود. نظر حضرت عالی در این مورد ها چیست؟

ج. در صورت امکان باید به گونه ای عمل کنند که خلاف شرع نشود.

افشای اطلاعات به دست آمده از معالجه بیمار

س221. بسیاری اوقات پزشکان حقایق دردناکی را در مورد بیمار کشف می نمایند:
الف) آیا پزشک ملزم به دادن اطلاعاتی است که در جریان معالجه به دست آمده است؟
ب) دروغ گفتن در این موارد چه حکمی دارد؟
ج) افشای این اسرار به افراد نزدیک او چگونه است؟

ج. الف) لازم نیست.
ب) جایز نیست و می تواند توریه کند.
ج) موارد مختلف است و اگر صاحب سِر، راضی نیست نباید افشاء کند مگر علاج مریض به آن متوقف و منحصر باشد.

مسئولیت پرستاران نسبت انجام فرائض دینی بیمار

س222. بسیاری از پرستاران نسبت به ادای فرایض بیماران مراقبت کامل ندارند. مثلاً کمک به بیمار جهت وضوء ساختن، تیمم و وضعیت نمازگزاران و ... در صورتی که بیمار همراه نداشته و نیازمند کمک است آیا پرستار یا کادر خدماتی بیمارستان مسئول نمی باشد؟

ج. کمک کردن در موارد ذکر شده که معذور را از معذور بودن خارج می کند بر دیگری لازم نیست. بلی خود مکلف در صورت امکان بدون مشقت باید کمک بگیرد ولو از پرستار.

هدف پزشک از درمان بیمار

س223. اگر هدف پزشک از فعّالیّت های پزشکی صرفاً انتفاعات مالی و مادّی باشد چه حکمی دارد؟

ج. مانع ندارد ولی امر با ارزشی را ارزان از دست می دهد.

---

[1]. شبیه سازی

[2]. سلب مسئولیت از ضمان زیانها